

محمد سمانی هارزی

بزرگان مسلمانان

محمد سمانی هارزی

بزرگان مسلمانان



بزرگانِ مسکین

محمد سامی حارثی



کتابخانه عمومی
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

- اسم کتاب : بزرگان تنکابن
- تألیف : محمد سمایی حائری
- ناشر : کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) قم
- نوبت چاپ : اول
- حروفچینی : مؤسسه حروفچینی کامپیوتری حجت
- لیتوگرافی : تیزهوش
- چاپ : حافظ
- تاریخ چاپ : ۱۳۷۲
- تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام
على اشرف الانبياء والمرسلين وآله
الطاهرين ولعنة الله على اعدائهم اجمعين
الى يوم الدين.

www.tandis.de

تندیس

ثواب تصنیف این کتاب را بروان عالم
بزرگوار مرحوم حاج شیخ عبداللطیف
سمامی حائری (تنکابنی) (۱۳۳۰-۱۴۰۰)
وروان عارف گمنام حاج سید محمد
محسن پیر سیدی طبیب رامسری
(۱۳۳۰-۱۴۱۲) تقدیم میدارم.

www.tandis.de

تندیس

پیش‌گفتار

طبع این دفتر بسی تأخیر شد مهلتی بایست تا خون شیر شد کتابی که از نظر خوانندگان عزیز میگذرد شرح حال بزرگان منطقه‌ای است بنام (تنکابن)، حدود اجمالی این منطقه عبارت است:

از شمال بدریای خزر، مشرق به کلارستاق و کجور (مرز رویان)، جنوب به رشته کوه‌های اصلی البرز (الموت و طالقان در قسمت جنوبی این رشته کوه‌ها واقعند) و مغرب به رودخانه کلاچای (مرز گیلان) محدود، که شامل شهرهای نوشهر و چالوس و لنگا و شهسوار و رامسر و میانده و قاسم آباد علیا و سفلی و کلاچای و اشکور سفلی و علیا و.... میباشد.

این حدود در ادوار گذشته متغیر و قلمرو حکام محلی تغیر مینمود. اکنون قسمت عمده این سرزمین جزء استان مازندران و قسمت کمتر تابع استان گیلان است.

علامه فقید حاج شیخ محمد مهدوی لاهیجی مؤلف کتاب جغرافیای گیلان قسمت اعظم منطقه را جزء گیلان دانسته و بدان سبب تاریخ و جغرافیای این منطقه را با گیلان منظم نموده است.^(۱)

در حال حاضر نام تنکابن به شهرستان (شهسوار)^(۲) اطلاق میگردد که بعقیده

(۱) جغرافیای گیلان / ۲۹۶.

(۲) آنطوری که نگارنده از افراد خبیر و مطلع شنیدم نام قبلی شهسوار - (باغ فردوس) و متعلق بیکی از اعیان تنکابن بود هنگام عبور آغا محمدخان قاجار از تنکابن در این محل توقف نمود و یک روز وقت خود را

نگارنده این کار صحیح نیست زیرا (شهسوار) یکی از شهرهای جدید الاحداث تنکابن است و در اوائل سلطنت رضاخان مرکز تجمع ادارات دولتی و رو به عمران و آبادی نهاده توسعه یافت و تا قبل از آن تاریخ مرکز حکومت تنکابن در خرم آباد بوده، ممکن است بمرور زمان نام تاریخی منطقه فراموش گردد و آیندگان تصور نمایند که تنکابن نام شهر است.

در کتاب یاداشتهای سپه سالار تنکابنی / ۲۰۳ مینویسد:

... حتی برای فراموش شدن خاطره‌اش [سپه سالار] نام کهن وزیبای شهر تاریخی (تنکابن) را به (شهسوار) مبدل ساختند، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ هجری خورشیدی خوشبختانه نام کهن و تاریخی (تنکابن) از نو احیا گشت.

این عبارت قطعاً از گردآورنده یادداشتها امیر عبدالصمد خلعتبری نیست زیرا نامبرده در سال ۱۳۳۹ خورشیدی وفات نموده، بلکه از آقای محمود تفضلی است و اشتباه میباشد، چون هیچگاه نام قبلی شهسوار تنکابن نبوده، و برای این مطلب هیچ دلیل تاریخی وجود ندارد و با ملاحظه اسناد و مدارك تاریخی این موضوع کاملاً معلوم میگردد.

علامه سید محسن امین عاملی در اعیان الشیعه : ۱۱۵/۲ مینویسد:

والتنکابنی نسبة الی تنکابن بضم المثناة الفوقیه و سکون النون و بالكاف الفارسیه بعد ها الف و باء الموحده مضمومة و نون، بلدة من بلاد ایران بناحیه قزوین ...

حاصل این عبارت این است، تنکابنی منسوب به تنکابن بضم تاء و سکون نون و با کاف فارسی (یعنی گاف) و بعد از آن الف و باء مضمون و نون - شهری است از شهرهای ایران در نواحی قزوین. در این عبارت سه اشتباه ذکر شده.

صرف گردش در این باغ نمود. عده‌ای از اهالی برای دیدن شاه بدین باغ گرد آمدند، و از این پس همگی این محل را بمناسبت سواره دیدن شاه (باغ شاه سوار) نامیدند که بتدریج کلمه باغ حذف گردید و مبدل به شهسوار شد.

- ۱ - اولاً تنکابن به کاف فارسی یعنی (گاف) با دو سرکش نیست، و هیچ کس تنکابن نگفته، و یا کاف عربی يك سرکش است.
- ۲ - همانگونه که متذکر گردیدیم (تنکابن) منطقه است نه شهر.
- ۳ - در نواحی قزوین نیست بلکه در ساحل (بحر قزوین) یعنی بحر خزر است.

در این مقدمه در صدد ضبط نام تنکابن و موقعیت جغرافیائی و مساحت آن نیستم. مقصود تعیین حدود اجمالی و رفع بعضی از توهمات بود.

تقاضای نگارنده از اولیاء محترم جمهوری اسلامی صانه الله عن الحدثان این است که منطقه تنکابن را از دو استان گیلان و مازندران جدا نموده و استانی مستقل بنام استان تنکابن نام گذاری و تمام لوازمات و تبعات آنرا ایجاد نمایند.

تألیف این کتاب را هنگام تحصیل در نجف اشرف از سال ۱۳۴۷ خورشیدی شروع نمودم، البته گردآوری تراجم^(۱) کاریست دشوار زیرا مستلزم ملاحظه آثار و اسناد تاریخی و کتابهای زیادی است، لذا تکمیل و تحقیق آن مدتی بطول انجامید، اکنون الحمد لله پس از این مدت باندازه کوشش و تتبع خود این اثر را تقدیم خوانندگان نموده با اعتراف باینکه ناقص ولی بمصدق

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر معرفت بتوان چشید

هرچند تکمیل آن فعلاً از عهده این جانب خارج ولی ترك این مقدار هم روا نبود. (مما لا یدرك كله لا بترك كله) و (المیسور لا یسقط بالمعسور) انشاء الله این کتاب راه گشائی برای محققین و دانشمندان خواهد بود.

البته از قرون اولیه اسلامی نوشتن اینگونه کتاب یعنی گردآوری شرح حال بزرگان شهر یا منطقه‌ای متداول بوده و در این خصوص دهها کتاب تألیف که برای نموده به ذکر چند عنوان بسنده میکنم.

تاریخ بغداد تألیف خطیب بغدادی اوائل قرن پنجم

(۱) تراجم جمع ترجمه است بمعنی شرح حال (بیوگرافی) میباشد و در این کتاب هرکجا که این لغت آمده بهمین معنی است مگر آنکه از سیاق عبارت بمعنی برگرداندن لغت بر لغت دیگری باشد مثال از عربی به فارسی ...

ذیل تاریخ بغداد	تألیف ابن النجار	قرن هفتم
تاریخ دمشق	تألیف ابن عساکر	قرن ششم
تایخ المدینه	تألیف ابن شبه	قرن سوم
تاریخ نیشابور	تألیف حاکم نیشابوری	قرن چهارم
تاریخ جرجان (گرگان)	تألیف حمزة السهمی	قرن پنجم
تاریخ ری	تألیف شیخ منتجب الدین بابویه	قرن ششم
التدوین (تاریخ قزوین)	تألیف عبدالکریم رافعی	قرن ششم
ذکر اخبار اصبهان	تألیف ابونعیم اصفهانی	قرن پنجم
العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین	تألیف ابی الطیب التقی الفاسی	قرن نهم
شد الاذاری فی حط الاوزار لوزار السزار	تألیف معین الدین شیرازی	قرن هفتم
و غیره که تمامی اینها متضمن شرح حال افراد آن شهر یا منطقه میباشند هر چند بنام تاریخ نام گذاری گردیده، و اما کتب تراجم عام بسیارند		
وفیات الاعیان	تألیف ابن خلکان	قرن هفتم
الوافی بالوفیات	تألیف صفدی	قرن هشتم
فوات الوفیات	تألیف ابن شاکر	قرن هشتم
العبر فی خبر من غیر	تألیف ذهبی	قرن هشتم.
روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات		تألیف علامه خونساری ق ۱۲
ریاض العلماء	تألیف میرزا عبداللہ افندی	قرن ۱۲
بسیار زیاد واحصاء نام آنها مشکل است.		
بعضی از کتب تراجم اختصاص به بزرگان قرنی بوده مانند:		
نوابغ الرواة	تألیف آقا شیخ بزرگ تهرانی	مربوط به قرن چهارم
النابس	تألیف آقا شیخ بزرگ تهرانی	مربوط به قرن پنجم
الدرر الکامنه	تألیف ابن حجر	مربوط به قرن هشتم
الصنو اللامع	تألیف آقا شیخ بزرگ تهرانی	مربوط به قرن نهم
خلاصه الاثر	تألیف محمد امین محبب	مربوط به قرن یازدهم
و غیره ...		

و بعضی از کتابهای تراجم اختصاص به طبقه‌ای خاص از دانشمندان و علماء بودند مانند:

طبقات المحدثین باصفهان تألیف ابوالنعیم الاصفهانی	قرن چهارم
طبقات المفسرین	تألیف عبدالرحمن السیوطی قرن دهم
طبقات النجاة	تألیف جمال الدین القفطی قرن هفتم
عیون الانباء فی طبقات الاطباء	تألیف ابن ابی اصیبعه قرن هفتم
اخبار القضاة	تألیف محمد بن خلف وکیع قرن چهارم
طبقات الفقهاء	تألیف ابی اسحق الشیرازی قرن پنجم

و بعضی از کتابهای تراجم اختصاص به شرح حال دانشمندان مذهبی و یا فرقه‌ای بوده مانند:

طبقات الشافعیه	تألیف سبکی قرن هشتم
طبقات الحنابله	تألیف الفراء قرن پنجم
طبقات السنیه فی تراجم الحنفیه	تألیف تقی الدین العزری قرن یازدهم
طبقات الصوفیه	تألیف عبدالرحمن السلمی قرن پنجم
الفهرست	تألیف البشیخ الطوسی قرن پنجم
الفهرست	تألیف الشیخ متجب الدین بابویه قرن ششم
معالم العلماء	تألیف ابن شهر آشوب ساروی قرن ششم
امل الامل	تألیف شیخ حر عاملی قرن یازدهم
اعیان الشیعه	تألیف سید محسن امین قرن چهاردهم

در میان این همه کتابهای تاریخ و تراجم کتابی مختص به شرح حال بزرگان مازندران و یا گیلان و یا طبرستان تا قرن معاصر مشاهده نگردید. هر چند جسته گریخته ترجمه چند تن از مشاهیر و بزرگان را میتوان از لابلای کتب تاریخی گیلان و مازندران استخراج نمود ولی این اندازه بسیار اندک و ناچیز است. زیرا از آغاز نشر دین مقدس اسلام در گیلان و مازندران و تشرف مردم آن سامان بدین مقدس اسلام تاکنون هزاران تن دانشمند محقق، محدث، فقیه، طبیب، ... وجود داشته که شرح حال اغلب این بزرگان بر ما مجهول مانده نام بسیاری از آنها از صفحه

تاریخ محو (کان لم یکن شیئا مذکوراً) در حالیکه حمزة السهمی در قرن پنجم تاریخ نسبتاً مفصلی از شرح حال بزرگان منطقه جرجان (گرگان که همجوار با مازندران و ارتباط اهالی این دو منطقه با هم بسیار قوی بوده) تألیف نموده، شاید کتاب یا کتابهایی در شرح حال بزرگان این مناطق قبلاً تألیف شده ولی در اثر حوادث^(۱) روزگار از بین رفته باشد، مانند (تاریخ مازندران) تألیف ابن ابی مسلم.

(۱) در اثر بعضی از حوادث غیر عمدی از قبیل آتش سوزی وسیل و زلزله بسیاری از کتابخانه‌های شخصی و عمومی از بین رفت از جمله آنها آتش سوزی در یکی از بیوت نجف، که باعث از بین رفتن صدها کتاب نفیس گردید. همچنین هنگام حمله وهابیان در سال ۱۲۱۸ به نجف و کربلا بسیاری از علماء کتابهای خود را از ترس حرق و نهب وهابیان در اطاق و یا سردابی قرار دادند و در آنرا با آجر پوشانیدند پس از آنکه خطر رفع گردید مجدداً دیوار را خراب کردند و کتابها را بیرون آوردند در این فاصله قسمتی از کتابها در اثر خوردن موربانه از بین رفت نگارنده شاهد یکی از سردابه‌های نجف اشرف بودم که در سال ۱۳۸۰ ق هنگام تخریب خیابان زین العابدین علیه السلام نمایان گردید در این سردابه صدها کتاب خطی نفیس طعمه موربانه شده بود گویا پس از پنهان نمودن کتابها صاحب کتاب فوت و ورثه‌اش اطلاع نداشتند و یا اهمال نمودند و این گنجینه نفیس بدست فراموشی سپرده شد تا در سال مزبور کشف اما تمام کتابها از بین رفته بود و نظیر این واقعه بسیار است.

در جنگهای مهم و خانمان سوز بسیاری از آثار فرهنگ و تمدن ایران و اسلام از بین رفت. از جمله حمله اسکندر به ایران و آتش سوزی مهیب کتابخانه عظیم ایران بوسیله ارتش مهاجم که هزاران جلد کتاب نفیس طعمه حریق گردید و میراث فرهنگی ایران باستان از بین رفت. و آتش زدن کتابخانه عظیم شیخ طوسی در بغداد در نیمه اول قرن پنجم و حمله مغول و ویران نمودن^(۲) شهرهای ایران از جمله شهر نیشابور که یکی از مراکز مهم علمی اسلامی ایران بوده از این شهر هزاران فقیه و محدث و دانشمند برخاسته، شاهد این مدعا حدیث سلسله الذهب است، مینویسند هیجده هزار نفر محدث هنگام عبور حضرت رضا علیه السلام از این شهر آن حدیث را ثبت نمودند. آیا باور کردنی است که در این شهر هزاران کتاب نفیس و منحصر بفرد از بین رفته باشد؟ آیا میتوان پذیرفت که در این شهر هنگام حمله مغول کتابخانه‌های مهم نبوده؟ و هم چنین حمله اشرف افغان و حملات دیگر ... بزرگترین سند و دلیل این ادعا کتاب الفقیه‌ست ابن الندیم و الفهرست شیخ طوسی و رجال شیخ نجاشی است. در این کتابها نام صدها کتاب عنوان گردیده که اکنون آثاری از آنها در دست نیست.

و در عصر نگارنده جنگ نحملی و خانمان سوز عراق با ایران. و حملات ناجوان مردانه ارتش بعث بخاک جمهوری اسلامی ایران، که در اثر آن صدها مدرسه و مسجد و بیمارستان و کتابخانه و مغازه و خانه و ... ویران گردید، هزاران نفر زن و مرد و پیر و کودک بیگانه را مظلومانه بخاک و خون کشیدند و از هیچ جنابیتی دریغ نمودند، و آنچه را که بدست آوردند به یغما بردند. از چیزهاییکه به یغما رفت کتابخانه نفیس مرحوم آیت

در قرن معاصر الحمد لله چندتن از پژوهشگران کتابهای راجع به مازندران و گیلان و تنکابن تألیف و چاپ نمودند، در طلیعه آنان علامه بزرگوار استاد عالیقدر آیت الله حاج شیخ محمد مهدوی لاهیجی (۱۳۱۷ - ۱۴۰۳) است.

الله حاج شیخ سلمان خاقانی (۱۳۳۲ - ۱۴۰۸) در خرمشهر بود. نگارنده از کتابخانه اطلاع داشتم بالغ بر هشت هزار جلد کتابهای نفیس و اسناد و مدارک تاریخی در کتابخانه بوده که بجز تعداد مختصری از کتابها مابقی از بین رفت از جمله دیوان شعر نامبرده بوده که بالغ بر نیم قرن در جمع آوری و نظم آن سعی نموده و آنرا جهت چاپ آماده ساخته بود. مرحوم شیخ سلمان تا واپسین روزهای زندگی از فقدان این دیوان متأثر بود.

و همچنین به تاراج رفتن کتابخانه نفیس بیت آیت الله سید عدنان غریفی (متوفی ۱۳۴۰ ق) که سابقه اش در حدود يك قرن بوده، دهها کتاب نفیس و مدارک تاریخی و نامه‌های ارزنده در این کتابخانه محفوظ بوده. از جمله دیوان خطی مرحوم سید علی بن سید عدنان (۱۳۲۶ - ۱۳۵۹) بوده که دوست محقق و فاضل ارجمند سید علی عدنانی بن سید محمد علی بن سید عدنان پس از فتح خرمشهر بانگارانده بدان محل رفتیم و مابقی اوراق و مدارک را در آن لحظات حساس جمع آوری نموده به قم حمل کردیم. نامبرده پس از زحمت زیاد از لابلای اوراق پراکنده مجدداً اشعار عمویش سید علی را جمع آوری و بیچاپ رسانید. پس از مدتی معلوم شد اصل دیوان که از کتابخانه سرقت رفته بود در یکی از کتابخانه‌های مهم عراق است. این نمونه کوچک از هزاران جنایت جنگ نحملی بود.

پس از آنکه آمریکا و متحدینش به عراق حمله کردند شیعیان عراق از شدت ناراحتی و اختناق قیام کردند ولی متأسفانه بشکست منتهی گردید ارتش شهر نجف و کربلا را محاصره نمود و شهر را به موشک بست و همان جنایتی را که به ملت عزیز ایران کرده بود با ملت خود تکرار کرد. سپس ارتش وارد شهر گردید بعضی مراکز مهم شیعیان را خراب نمود از جمله دارالحکمه آیت الله العظمی حکیم بود، حدود بیست هزار جلد کتاب مربوط به کتابخانه مدرسه آیت الله العظمی خوئی (که پس از تخریب مدرسه در اثر خیابان کشی به زیر زمینی دارالحکمه منتقل شده بود) و کتابهای دارالحکمه کلاً نابود و از بین رفت و آنطوریکه نقل شد صدها جلد کتاب خطی در میان آنها بوده و نیز نقل شد تعدادی از کتابهای خطی کتابخانه عمومی آیت الله حکیم را سربازها غارت کردند که یکی از محترمین نجف (شیخ شریف فرزند مرحوم آیه الله شیخ محمد حسین کاشف الغطاء) در آن لحظات سخت و دشوار خود را به سربازها رسانیده و از آنها کتابها را ابداع میکرد و مجدداً به کتابخانه بازگردانید.

یکی از افراد مؤثر برایم نقل کرد یکی از افسران در آن روزها برخورد کردم دیدم ناراحت است، بدو گفتم چرا اینهمه ظلم و تعدی میکنید بالاخره معاد و قیامتی هست دیدم به تأثرش افزوده شد و گفت: ما سعی میکنیم که حتی المقدور از سفک دماء و هتک اعراض جلوگیری نمایم و الا حکومت بعث بما دستور داده شهر و مردم و مراقد مقدسه را نابود سازیم.

این بزرگوار بالغ بر نیم قرن در نجف اشرف با نبود امکانات چند جلد کتاب در باره گیلان تألیف که سه جلد آنها (جغرافیای گیلان و رجال دو هزار ساله گیلان و سادات متقدمه) چاپ و مابقی مخطوط میباشند امید است فرزند ارجمندش دانشمند مکرم و دوست عزیز آقای محمد حسین مهدوی اطال الله بقائه الشریف که از فضلاء و محققین معاصر است دامن همت کمر زده این آثار گرانبها و این گنجینه‌های گهر را چاپ و به دانشمندان عرضه نماید، این کار قطعاً باعث شادی روح علامه مهدوی خواهد گردید.

ابتداء تصمیم بر این بود که فقط (بزرگان رامسر) را تدوین نمایم ولی پس از شروع به نوشتن دریغ آمد که (بزرگان منطقه تنکابن) را تنظیم ننمایم. بدیهی است که رامسر جزئی از تنکابن و این دو کتاب (بزرگان تنکابن و بزرگان رامسر) متمم و مکمل همدیگر میباشند و انگیزه جدا نمودن بزرگان رامسر از تنکابن بدو جهت بوده.

۱ - چون تردد و آشنائی نگارنده با رامسر بیشتر و دست‌رسی به آثار بزرگان سهل تر بود.

۲ - چندین پشت از نیاکانم در این شهر سکونت داشتند زادگاه و محل دفنشان در همین مکان بوده و همچنین تولد پدرم در همین شهر بوده، و کلیه اقوام و بستگان پدری در این شهرند بدین جهت خواستم دین خود را نسبت بدین شهر ادا کرده باشم والحمدلله آن کتاب (بزرگان رامسر) در سال ۱۳۶۱ خورشیدی در قطع وزیری در ۲۷۸ صفحه در چاپخانه خیام قم بچاپ رسید، اکنون این کتاب (بزرگان تنکابن) بدستور سلاله الاطیاب حجة السلام والمسلمین دکتر حاج سید محمود مرعشی حفظه الله سرپرست و متولی محترم کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی (قدس نفسه الزکیة) جزء انتشارات کتابخانه بچاپ رسیده امید است مورد توجه محققین و دانشمندان قرار گیرد.

توجه خوانندگان محترم را به نکاتی راجع به این کتاب معطوف میدارم.

۱ - مقصود از بزرگان اشخاص دانشمند و عالم یا شاعر و یا حکام و یا سیاست مداران میباشند.

۲ - ملاک ثبت بزرگان در این کتاب کسانی است که تنکابنی الاصل و یا آنکه تولد و نشو و نمایشان در تنکابن بوده و یا در تنکابن مقیم و یا حاکم این منطقه بودند.

۳ - کیفیت تنظیم اسماء به ترتیب حروف ا ب ت ث با رعایت نام و نام پدر و یا اشتهار میباشد. لذا نام فامیلی و اشتهار در تنظیم و ترتیب توجه نگردیده، بعد از عنوان تاریخ تولد و وفات بسال قمری در میان پرائنز قرار گرفته و چنانچه سال دقیق بدست نیامده سال تقریبی و یا قرن را ذکر نمودم. و اگر از تاریخ فوت و یا تولد اطلاع نیافتم بجای آن سه نقطه قرار دادم. و در بعضی از موارد مضافاً در متن سالهای شمسی را قید نمودم.

۴ - هدف از نوشتن شرح حال بزرگان بوده نه تاریخ، ممکن است در ذیل یا ضمن ترجمه اشخاص برخی از وقایع تاریخی ذکر گردد که حتماً از جهتی ارتباط به شخص مترجم بوده.

۵ - مطالبی را که از کتب دیگران استفاده نمودم در پاورقی و یا در متن ترجمه قید کردم، مضافاً در پایان کتاب نام کتابهای مصادر و منابع را بترتیب حروف با نام مؤلف و سال چاپ ذکر نمودم.

آن تعداد شرح حال هائیکه بدون ذکر آدرس و مأخذ است نتیجه تحقیقات نگارنده است که از آثار بزرگان اعم از تالیفات و یا استنساخ و تصحیح و مقابله و تملیک و غیر ذلك میباشد.

۶ - از نوشتن هرگونه عنوان و القاب از قبیل آیت الله و حجة الاسلام و... بجز در موارد معدودی (در غیر افراد مترجمین) خودداری کردم و بعقیده نگارنده هیچگاه این گونه القاب و عناوین نمایانگر شخصیت مترجمین نمیشد و آنچه که نمودار شخصیت علمی است همانا آثار باقیه او است. و انگهی ممکن است در باره بعضی مبالغه و در باره دیگری تزیین حق گردد.

۷ - باتمام جدیت و کوششی که در جمع آوری این تراجم گردید خالی از نقص و اشتباه نمیشد (والعصمة لله الواحد القهار). از شرح حال تعدادی از بزرگان مطلع نگردیدم. و یا آنکه حقتشان کاملاً در نوشتن ترجمه ادا نگردیده، و یا آنکه

تالیفات آنها ذکر نشده و... ولی هیچگاه تعمدی در کار نبوده.^۸

از خوانندگان محترم تقاضا دارم در این‌گونه موارد نگارنده را متذکر تا در چاپهای بعدی استدراک گردد، قبلاً از لطف و عنایت آنان ممنون خواهم بود.

۸ - از دوستان و فضلائى که در نوشتن این کتاب به این جانب راهنمائى نمودند بالاخص برادر عزیز آقای ابوالحسن واعظى متشکر و سپاسگزارم.

۹ - چون خوانندگان محترمی که این کتاب را مطالعه مینمایند قطعاً به بزرگان رامسر مراجعه خواهند نمود لذا در قسمت آخر این کتاب مطالب و تراجمی مربوط به استدراک بزرگان رامسر جهت تکمیل معلومات درج گردید.

۱۰ - پس از چاپ (بزرگان رامسر) بعضی از فضلا متذکر گردیدند که ترجمه خود را در این کتاب درج نمایم. البته در حدود بیست سال قبل کتابی بنام (میعادگاه) در حدود یکصد و پنجاه صفحه حاوی شرح حال و سوانحی که در ایام اقامت در عراق اتفاق افتاد تا سال ۱۳۵۰ تألیف نمودم. چون کتاب ناقص و بچاپ نرسیده لذا جهت امثال بر سبیل اختصار ترجمه خود را بعرض میرسانم.



نگارنده این کتاب، محمد بن عبداللطیف بن حاج عباسعلی بن شاهنظر بن محمد بن احمد بن منصور بن رحیم سمایی است.

آنطوریکه در اسناد و فرامین و اوراق خانوادگی ملاحظه شد، منصورخان از بازماندگان فنا خسرو عضدالدوله دیلمی است، از طرف حکومت صفوی خود و پدرانیش در قسمت کوهستانی گیلان، دیلم و سمام امارت داشتند. پس از انقراض حکومت صفوی منصورخان از پرداخت مالیات و اطاعت از نادرشاه افشار سرپیچی کرد نادر شاه لشکری بسرداری یکی از بنو اعمام منصورخان بنام محمدخان جهت سرکوبی اش ارسال نمود. محمدخان مدتها با منصور خان بر سر امارت و حکومت اختلاف داشتند لذا از این فرصت استفاده نموده و به منصور خان حمله ور گردید، منصور با عده‌ای از طولش یاغی همدست شد

وجنگی فیما بین اتفاق افتاد ولی ظفر و پیروزی نصیب محمد خان گردید و از این به بعد هیچگونه نشانی از منصور بدست نیامد. محمدخان پس از این پیروزی مالیات چند ساله را از فرزندان منصور مطالبه و اموالشان را مصادره نمود. فرزندان منصور از پرداخت مالیات عاجز ناچار از خانه و زندگی دست برداشته به نارنج بن سخت سر (رامسر) مهاجرت و سکونت نمودند این حادثه قبل از ۱۱۵۳ ق است (در این سال سه تن از فرزندان منصور خان بنامهای - احمد و رحیم و عبدالله ملکی را در این محل ابتیاع نمودند) اکنون نوادگان منصورخان و برادرزاده هایش در رامسر و نواحی آن سکونت دارند.

حاج عباسعلی بن شاهنظر از تجار معروف و سرشناس تنکابن در عصر خود بوده و در سال ۱۳۳۹ ق وفات کرد. والد اینجانب دانشمند بزرگوار حاج شیخ عبداللطیف سمایی حائری شهیر به تنکابنی در سال ۱۳۳۰ ق در رامسر متولد گردید و در سال ۱۳۵۱ به عتبات مشرف شد و در سال ۱۳۶۱ ق با دختری یکی از تجار محترم کربلا بنام سید غضنفر (متوفی ۱۳۵۹ ق) بن سید علی موسوی یزدی (متوفی اوائل قرن چهاردهم) که از علماء و نواده دختری سید محمد مجاهد طباطبائی است ازدواج نمود و در سال ۱۴۰۰ در قم وفات کرد.

شرح حال نامبرده در گنجینه دانشمندان: ۱۷۹/۸ تألیف شیخ محمد رازی چاپ ۱۳۵۸ خ، و بزرگان رامسر / ۸۶ و مجله هفتگی صحیفه بشماره ۲۵ یکشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۴ خ، و مستدرکات اعیان الشیعه: ۱۳۳/۳ تألیف حسن امین چاپ ۱۴۱۰ ق بیروت و معجم رجال الفکر و الادب ۳۱۹/۱ تألیف دکتر محمد هادی امینی چاپ ۱۴۱۳ بیروت و عنصر فضیلت و تقوا / ۲۴ تألیف عباس حاجیانی دشتی انتشار مفید محلاتی قم ۱۳۷۲ خ درج گردیده است.

این جانب در پنجم رمضان ۱۳۶۴ ق موافق با ۱۳۲۳ خورشیدی در کوچه (سادات آل ثابت) در محله طاق زعفرانی در کربلای معلّماً متولد گردیدم، یکی از ادباء معاصر دو بیت شعر در تهنیت ولادت این جانب سروده که شطر آخر متضمن تاریخ تولد این جانب است.

(ولد ابن اللطیف فی الدهر فذا = ۱۳۶۴ ق)

در کودکی با پدرم به نجف اشرف مهاجرت نمودیم و از سن پنج سالگی خواندن قرآن و نوشتن را در مکاتب قدیمه شروع کردم، بعضی از متون قدیمی از قبیل کلیله و دمنه و گلستان سعدی و نصاب الصبیان و امثله و شرح امثله را نزد پدرم یاد گرفتم، تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در مدرسه علوی ایرانی نجف اشرف گذرانیدم. در آغاز انقلاب در ایران به رهبری امام خمینی این جانب شعاری بر علیه شاه بر تخته سیاه نوشته که نوشتن این شعار باعث درگیری با اولیاء مدرسه گردید و از مدرسه اخراج شدم، پس از چندی مدیر مدرسه مراجعت ادامه تحصیل در مدرسه فرا خواند ولی موافقت نکردم و تحصیلات علوم دینی را که قبلاً شروع کرده بودم ادامه دادم.

اساتید این جانب از بدو تحصیل تا سال ۱۳۵۰ که از نجف اشرف به ایران مهاجرت کردم (و همگی از حجج اسلام و آیات و اعلامند) بدین شرح است.

سیوطی را نزد مدرس افغانی مؤلف مکررات المدرس و غیره در مسجد جواهری و حاشیه ملا عبداللّه را نزد سید عبداللّه معروف با آقا نجفی معلم که فعلاً از ائمه جماعت شوشتر است صحبتها در مدرسه بزرگ آخوند خراسانی تحصیل نمودم لمعتین را نزد آقای سید محمد باقر مصطفوی کاشانی از علماء طراز اول فعلی کاشان قبل از ظهر در مسجد شیخ طوسی خواندم، قسمتی از معانی بیان و معالم و مکاسب را نزد سید یوسف حلّو مؤلف کتاب الموسوعة الفقہیه که چندین جلد آن بچاپ رسید تحصیل نمودم و الحق این سید جلیل در تدریس و تعلم بسیار کوشا بود. قسمتی از رسائل را نزد سید ابوالقاسم کوکبی (از علماء و مدرّسین خارج فعلی قم و صاحب رساله) در مدرسه مرحوم سید کاظم یزدی و کفایة الاصول را نزد سید محمد علی حمّامی مؤلف کتاب هدایة العقول فی شرح کفایة الاصول در در شش جلد و مقداری از منظومه سبزواری نزد شیخ عباس قوچانی هاتف در مقبره میرزای شیرازی قبل از ظهر تحصیل نمودم. قسمتی از خارج مکاسب نزد آیات عظام امام خمینی رضوان اللّه تعالی علیه و سید نصر اللّه مستنبط (قدس) و اجتهاد و تقلید را نزد سید محمود شاهرودی و مختصری از صلاة را نزد حاج سید ابوالقاسم خوئی و عقد الحواله را در ماه

رمضان ۱۳۹۱ نزد سید محمد باقر صدر و تفسیر سوره حمد را در ماه رمضان نزد مرحوم علامه میر سید علی فانی و شرح تجرید را نزد مرحوم والد تحصیل کردم و نیز مدتی بعضی از دروس مقدمات و سطوح را تدریس مینمودم. در ضمن تحصیلات کلاسیک را ادامه داده و موفق به اخذ لیسانس گردیدم.

اواخر سال ۱۳۵۰ به ایران مهاجرت کردم و بکلی از تحصیل و تدریس و حوزه منعزل گردیدم و به کار مشغول شدم. متأسفانه مدارک تحصیلی عراق را وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۵۱ بعللی ارزیابی ننمود لذا مجبور به امتحان متفرقه و ادامه تحصیل گردیدم. مدت یکسال به تدریس در دبیرستان ملی سجاد رامسر مشغول بودم و از سال ۱۳۵۲ بدفتریاری دفتر خانه ۷۰ رامسر بسر دفتری سید حسن تنکابنی مشغول بکار شدم و در سال ۱۳۵۵ بسر دفتری اسناد رسمی ۶۴ آبادان و ازدواج ۱۸۰ منصوب گردیدم و تا حین جنگ در آبادان بهمین سمت اشتغال داشتم هنگام جنگ تحمیلی به قسم مهاجرت نمودم. خانه و زندگی و کتابخانه شخصی و آنچه که داشتم در اثر جنگ از بین رفت. مدتی در ماهشهر بطور موقت بسر دفتری ازدواج اشتغال داشتم و از سال ۱۳۶۵ تاکنون بسر دفتری شماره شش اسناد و ازدواج شماره پنج اصفهان اشتغال دارم.

اواخر سال ۱۳۴۹ با صبیبه عارف بزرگوار مرحوم حاج سید محمد محسن پیر سیدی وصلت نمودم ثمره این ازدواج پنج فرزند بناامهای - دوشیزه سعاد (فائقه) دانشجوی رشته جغرافیا در تهران آقا سعید (فواد) دیپلم تجربی فعلاً مشغول انجام خدمت و وظیفه و ساجده و سمیره و علیرضا بترتیب محصلین دبیرستان و راهنمایی و ابتدائی میباشند.

در سال ۱۳۵۴ خورشیدی ۱۳۹۵ ق (سال آتش سوزی منا) به مکه مشرف گردیدم و در ضمن از سال ۱۳۴۲ خ به بعد سفرهای متعددی به برخی از کشورهای آسیایی و آفریقائی و اروپائی رفتم و آثار باستانی قیصره و فراغنه را مشاهده نمودم. از سال ۱۳۴۰ به تألیف و تصنیف مشغول شدم.

آثار چاپ شده این جانب عبارتند از:

- ۲- تحقیق الاجازه الكبيرة سيد عبدالله جزائري.
 - ۳- ترتيب وتنظيم الاجازه الكبيره آيت الله العظمى مرعشى نجفى.
 - ۴- تصحيح وكوشش وچاپ كتاب فهرست منتجب الدين.
 - ۵- تحقيقى (باگروهى از محققين) كتاب مستدراك الوسائل حاجى نورى كه تاكنون هيچده جلد آن بچاپ رسیده ودر حدود دوازده جلد ديگر باقى است واز كتب سال بوده.
 - ۶- بزرگان تنکابن (كتاب حاضر) كتابهاى كه چاپ نشده عبارتند از:
 - ۷- نامدران تاريخ متضمن شرح حال ۳۶۵ تن از بزرگان جهان.
 - ۸- احسن الاثر فى تراجم اعلام الشيعة فى القرن الرابع عشر.
 - ۹- وفيات الاعلام.
 - ۱۰- تاريخ وجغرافياى رامسر.
 - ۱۱- ميعادگاه. شرح حال وزندگاني خود بطور مفصل.
 - ۱۲- گلزار ادب.
 - ۱۳- ابداع المعانى فى تفسير سورة الحمد سبع المثانى (تقريرات درس مرحوم علامه فانى اصفهانى) وجواب شبهات آلوسى صاحب روح المعانى.
 - ۱۴- جامع الاسرار در علوم غريبه.
 - ۱۵- سلوة الاحباب - كشكول.
 - ۱۶- خاطرات سفر حج.
- رسائل مختلف و متعدد در زمينه‌هاى علوم اسلامى وغيره كه اغلب ناتمام ميباشد.
- مقالات متعدد در مجله كل شىء در عراق - ولسان العرب نشر مغرب و تراثنا فضليه نشر مؤسسه آل البيت عليهم السلام در قم و بيروت.
- داراى اجازات متعدد از قبيل اجازه نقل حديث وحسبه وغيره ميباشم قديمى ترين اجازه نقل حديث اين جانب از علامه حاج شيخ آقا بزرگ تهرانى است كه در سال ۱۳۸۳ مرقوم گردیده است وبقيه مجيزين عبارتند از:

حجج اسلام و آیات عظام - حاج سید محمود شاهرودی - آقانجفی مرعشی -
 حاج سید محمدرضا گلپایگانی - حاج سید علی سیستانی - حاج سید عبداللہ
 شیرازی - حاج شیخ محی الدین مامقانی - سید احمد مستنبط - حاج سید
 محمد شیرازی - حاج آقا حسن طباطبائی قمی - سید مصطفی صفائی
 خونساری - میرسید علی فانی اصفہانی - سید محمد علی حمامی نجفی - حاج
 شیخ مرتضی حائری یزدی - شیخ محمدرضا طبسی نجفی - رحمة اللہ علی
 الماضین و حفظ اللہ للاسلام و المسلمین الباقین منهم.
 والحمد لله اولاً و آخراً.

العبد - محمد سماوی حائری .

قم المشرقہ. ۲۷ محرم الحرام ۱۴۱۴.

www.tandis.de

تندیس

(۱)

شیخ ابراهیم تنکابنی

(ق - ۱۲)

شیخ ابراهیم بن ابو ثابت تنکابنی، از علماء ودانشمندان ویا احتمال قوی
فرزند ابو ثابت بن توفیق تنکابنی (آتی الذکر) میباشد.
یادداشت‌های علمی در پشت بعضی از نسخه‌های خطی بدون ذکر تاریخ از او
ملاحظه نمودم، از یادداشتها چنین استفاده میشود که شخصی دانشمند و محقق
بوده.

(۲)

شیخ ابراهیم اشکوری

(حدود ۱۲۹۰ - ۱۳۶۲)

ابراهیم بن شیخ اسماعیل اشکوری گورچی معروف به مدرس.
اواخر قرن ۱۳ در گورج اشکور متولد گردید، خواندن و نوشتن را در مکاتیب
محل خود فرا گرفت و سپس در مدرسه علمیه تنکابن به تحصیل مقدمات
پرداخت وانگاه جهت تحصیل سطوح عالی به قزوین عزیمت نمود.
اوائل مشروطیت به نجف اشرف رفت ومدارج عالیه فقه واصول را نزد

مرحوم آخوند خراسانی (ملا محمد کاظم) و علامه طباطبائی یزدی صاحب عروه و عمدتاً نزد شیخ شعبان گیلانی دیوشلی گذرانید و بتدریس سطوح عالیہ پرداخت، عده‌ای از فضلا مخصوصاً از گیلان و تنکابن و غیره سطوح را نزد نامبرده تلمذ نمودند. دارای دو فرزند بنامهای شیخ محمد و شیخ علی بوده و هر دو در زمان حیات او وفات نمودند وی در نجف اشرف فوت و در وادی السلام بخاک سپرده شد.

(۳)

شیخ ابراهیم تنکابنی

(ق - ۱۱)

ابراهیم بن حسین بن ابراهیم تنکابنی، از علماء و دانشمندان و مدرسین و فرزند شیخ حسین (آتی الذکر) است.

تاریخ تولد و وفاتش بدست نیامده، ولی پس از درگذشت پدرش مسند تدریس و جانشینی او را اشغال نموده، معاصرینش در باره علمیت و اعتقادات او چیزی بیان نکرده‌اند، گوی اینکه پدرش (شیخ حسین تنکابنی) از مشاهیر شاگردان صدر المتألهین شیرازی و از فلاسفه و دانشمندان صوفی مشرب بوده. محقق بزرگ میرزا عبدالله افندی (متوفی ۱۱۳۰) مولف کتاب ارزشمند (ریاض العلماء) با او همعصر و همدرس بوده، در کتاب مزبور: ۳۴/۲ مینویسد: از طلاب علوم و شریک در تحصیل با ما بوده و در عصر ما فوت نمود... احتمالاً وفاتش اوائل قرن دوازدهم بوده.

(۴)

میرزا ابراهیم خلعت‌بری

(۱۳۶۸ - ۰۰۰)

میرزا ابراهیم بن محمد رحیم خلعت‌بری معروف به آقا نجفی مجتهد تنکابنی، از علماء و معاریف تنکابن.

در تنکابن متولد گردید و تحصیلات مقدماتی را در مدارس علمیه تنکابن گذرانید سپس به طهران رفت و مدتی در تهران به تحصیل اشتغال داشت و به نجف اشرف عزیمت نمود پس از طی مراحل عالییه به تنکابن بازگشت به حل و فصل امورات عامه پرداخت^(۱).

در روز سه شنبه ۲۳ ربیع الثانی موافق سوم اسفند ۱۳۲۷ در تهران وفات کرد - جنازه‌اش به قم حمل و در قبرستان نو بخاک سپرده شد.

نگارنده در هفتم صفر ۱۴۰۶ قیروی را در قبرستان نو مشاهده نمودم سنگ مرمری بر روی قبرش نصب بود، نام مترجم و پدرش و تاریخ فوت بر آن حک شده بود.

(۵)

ملا ابراهیم معافی

(حدود ۱۲۶۰ - حدود ۱۳۴۰)

ملا ابراهیم معافی (دو هزاری) در گلستان تنکابن متولد گردید، تحصیلات عالییه را در اصفهان و نجف اشرف گذرانید و به تنکابن مراجعت نمود و در قریه دوهزار سکونت گزید و به حل و فصل امورات عامه پرداخت.

و در سن هشتاد سالگی اواخر حکومت قاجاریه وفات کرد.^(۲)

(۱) خاندان خلعت‌بری / ۳۰۴ نسبنامه دودمان علامه تنکابنی / ۱۵۳.

(۲) تاریخ تنکابن مخطوط.

(۴)

شیخ ابو ثابت تنکابنی

(ق ۱۱ - بعد از ۱۰۹۷)

ابو ثابت بن توفیق تنکابنی. از دانشمندان قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم می‌باشد.

کتاب (الاستبصار) شیخ طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰) را در سال ۱۰۹۷ استنساخ و مقابله نموده و نسخه بشماره ۱۹۰۱ در کتابخانه مدرسه سپه سالار محفوظ می‌باشد.^(۱)

(۷)

سید ابو جعفر امام

(قبل از ۱۲۰۰ - حدود ۱۲۶۰)

سید ابو جعفر بن میر محمد حسین آخوندی^(۱) ملقب به امام، در تنکابن متولد گردید، پس از کسب مقدمات و سطوح مدارج عالیّه را در عتبات تحصیل نمود. و مدتی نزد سید علی صاحب ریاض در کربلا در فقه تلمذ نمود. پس از آنکه از استادش اجازه تحصیل نمود به موطن بازگشت به تدریس و ترویج مشغول گردید. و در تنکابن وفات نمود.

مولف نضره الناظرین مینویسد:

(۱) فهرست کتابخانه مدرسه سپه سالار: ۱۱۸/۳

(۲) خانواده آخوندی از بیوتات قدیمی و محترم تنکابن بوده که از میان آنها دانشمندان متعدد در خلال ۲ قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم برخاسته و مترجم دانی میرزا محمد تنکابنی مولف (قصص العلماء) می‌باشد.

مقداری از مقدمات را نزد او تحصیل نمود، از عمویم سید محسن (قده) شنیدم از قول سید محمد طباطبائی صاحب (مناهل) نقل مینمود: با او آشنا بودم، او را بفضل و دانش میشناختم الا آنکه من به تالیف و تدریس مشغول شدم و او گرفتار مردم دهات شد. نامبرده دارای فرزند نبوده و عقیماً از دنیا رفت.^(۱)

(۸)

ابوالحسن واعظی

(۱۳۷۷ - ۰۰۰)

ابوالحسن بن ابوالفضل بن محمد واعظی کشکوئی. در سال ۱۳۳۷ خ در روستای کشکوی تنکابن بدینا آمد تحصیلات ابتدائی را در مدرسه وحید تنکابنی ورودکی تنکابن گذرانید. در سال ۱۳۴۹ همراه پدرش به قم مهاجرت کرد، و مدت ۳ سال به تحصیل پرداخت سپس به شهبوار مراجعت نمود و در دبیرستان امام (ره) و حافظ تحصیلات متوسطه را بپایان رسانید ضمناً ادبیات عرب را نزد پدر بعضی از دروس را نزد جدش مرحوم حاج شیخ علی طبرستانی فراگرفت. در سال ۱۳۵۹ به شغل آموزگاری در استخدام آموزش و پرورش درآمد و در کوهستانها و کوهپایه‌های به تدریس پرداخت در خلال این مدت به تحقیق در باره تاریخ و جغرافیا و فرهنگ عامه منطقه تنکابن مشغول شد و حاصل تحقیقات خود را با عناوین ذیل پدید آورد.

۱- تاریخ تنکابن از آغاز باستان تا انقراض سلسله قاجار.

۲- گالش‌ها.

(۱) نضرة الناظرین. مخطوط

۳- بررسی عدد چهل در کتاب وسنت ومتون.

۴- خلاصه منطق وفلسفه.

اکنون در حین گذراندن دوره لیسانس در حین خدمت میباشد^(۱).

نگارنده بعضی از معلومات مندرج در این کتاب را از تاریخ تنکابن نامبرده

استفاده نمودم که در ذیل آن (بعنوان تاریخ تنکابن خطی) اشاره کردم.

(۹)

سید ابوالحسن تنکابنی

(ق ۱۳ - بعد از ۱۲۵۴)

سید ابوالحسن تنکابنی، در تنکابن متولد گردید، مقدمات را در مدارس علمیه تنکابن فراگرفت سپس عازم اصفهان گردید. ومدارج عالیه را در اصفهان طی نمود.

هنگام تحصیل شرح لمعه را در سال ۱۲۵۴ جهت خود استنساخ نموده عین نسخه بشماره ۴۲۲ در کتابخانه مدرسه فیضه قم میباشد^(۲).

(۱۰)

آخوند ملا ابوالحسن تنکابنی

(ق ۱۳)

ملا ابوالحسن بن ملا صالح تنکابنی از دانشمندان ومدرسین قرن سیزدهم در مدارس علمیه کلارآباد تنکابن بوده.

(۱) نقل از خط مؤلف.

(۲) فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه: ۱۱۷/۱

(۱۱)

میرزا ابوالحسن رانکوهی

(ق ۱۳ - بعد از ۱۳۱۳)

میرزا ابوالحسن بن حسین بن نقی کلان محله‌ای رانکوهی شهر به گیلانی. در کلان محله رانکوه تنکابن متولد گردید. مقدمات را در مدارس علمیه آن سامان فراگرفت، سپس به نزد میرزا محمد تنکابنی (مؤلف قصص العلماء) تلمذ نمود. حدود ۱۲۷۱ به لاهیجان رفت و مدتی در آنجا تحصیل نمود و در سال ۱۲۸۷ در طهران تحصیل نموده. وانگاه به نجف اشرف عزیمت نمود و تحصیلات عالی خود را در نجف اشرف طی و در عداد علماء و دانشمندان قرار گرفت.

مترجم در علوم غریبه آگاه و مطلع بود و دارای تالیفاتی است که عبارتند از:

- ۱ - الغاز و مغالطه
 - ۲ - الصیغ المشکله
 - ۳ - شرح قصیده الفرزدق المیمیه.
 - ۴ - جامع المطالب
 - ۵ - سبب اختلاف الاخبار
 - ۶ - احوال خواجه نصیر الدین طوسی
 - ۷ - احوال سید محمد طباطبائی مجاهد
 - ۸ - معاد و توبه (چهار کتاب اخیر را در سال ۱۳۰۲ تألیف نموده)
 - ۹ - مجموعه‌ای از رسائل و غیره در سال ۱۳۰۵ تألیف نموده
- وفاتش بعد از سال ۱۳۱۳ اتفاق افتاد^(۱).

(۱) در تراجم الرجال / ۱۰، آقای سید احمد حسینی مینویسد:

نامبرده در لاهیجان نزد میرزا محمد تنکابنی تلمذ نمود.

البته مرحوم تنکابنی مؤلف (قصص العلماء) ساکن سلیمان آباد تنکابن و محل تدریسش در همان مدرسه بوده.

(۱۲)

سید ابوالحسن اشکوری

(حدود ۱۲۹۲ - ۱۳۶۸)

سید ابوالحسن بن عباس بن محمد بن علی بن قاسم بن عبدالمطلب بن میرک حسینی اشکوری از اولاد یحیی بن زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام میباشد.

در اشکور تنکابن متولد گردید، و تحصیلات خود را در نجف اشرف نزد آخوند خراسانی و شیخ شعبان گیلانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ عبدالله مازندرانی گذرانید و بدرجه عالیه کمال نائل گردید و در عداد فقهاء و مدرسین نجف اشرف محسوب میشد.

دارای تالیفاتی است که عبارتند از:

طهارت و خمس و زکاة و قضاء و وقف و وصیت و اجاره و طلاق و رضاع و ربا و منجّزات المریض در چندین مجلد.

الاجتهاد والتقلید از تقریرات استادش آخوند خراسانی است.

علامه تهرانی مینویسد:

تالیفات او را در نجف اشرف نزد فرزندش دانشمند مدرس سید احمد

دام بقائه ملاحظه کردم.

نامبرده از اساتیدش اجازات روایت و غیره داشته.

شب جمعه ۱۷ ج ۱ ۱۳۶۸ در نجف اشرف وفات کرد^(۱).

(۱) نقباء البشر: ۲۷ - الذریعه: ۱۰ / ۲۵۱ - معجم المؤلفین: ۳ / ۲۳۴ - معارف الرجال: ۱ / ۴۲ - معجم رجال

الفکر والادب: ۳۳ - المصلح المجاهد الشیخ محمد کاظم الخراسانی: ۳۶

(۱۳)

سید ابوالحسن علوی بی‌نیازی

(۰۰۰ - حدود ۱۳۷۵)

سید ابوالحسن علوی بی‌نیازی از دانشمندان اشکور و پس از گذراندن تحصیلات مقدمات و قسمتی از سطوح در مدارس علمیه تنکابن و رودسر به قم عزیمت کرد و در نزد حاج شیخ عبدالکریم حائری و حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی و دیگر اعلام مدارج عالیّه تحصیل نمود و به موطن بازگشت و در همانجا وفات کرد.

(۱۴)

سید ابوالحسن تنکابنی

(ق ۱۳ - حدود ۱۲۴۵)

سید ابوالحسن بن میر محمد حسین آخوندی تنکابنی - دائی میرزا محمد تنکابنی مؤلف کتاب (قصص العلماء) است.

سید اسماعیل تنکابنی در نضره الناظرین مینویسد:

السید ابوالحسن عالم فاضل حاذق...^(۱)

علامه تهرانی مینویسد:

از شاگردان برجسته شیخ احمد احسائی است. رساله‌ای در علم اعداد تالیف نمود و آنرا به استاد خود (احسائی) ارائه داد استادش آنرا شرح نمود.

کتاب (مفاتیح فیض) را که از مملکات او در سال ۱۲۱۵ بوده مشاهده کردم.

حدود ۱۲۴۵ وفات کرد^(۱).

نگارنده از رساله مذکور اطلاع حاصل نکردم جز اینکه شیخ احمد احسائی دو رساله در پاسخ سید ابوالحسن جیلانی مرقوم نموده که احتمالاً همان سید ابوالحسن تنکابنی باشد و رسائل مذکور یکی در تاریخ ۸ جمادی الثانی ۱۲۲۳ و دیگری بتاريخ اول صفر ۱۳۲۴ یاد گردیده است^(۲).

(۱۵)

سید ابوالحسن حسینی

(ق ۱۳)

سید ابوالحسن بن محمد صادق حسینی تنکابنی از علماء و دانشمندان، احتمالاً در قرن سیزدهم میزیسته است.

از تالیفات او رساله‌ای در «الشروط» است، علامه تهرانی مینویسد:

شرح مبحث شروط شرایع است.

نسخه را که بخط مولف است در کتابخانه مدرسه آیت الله

بروجردی در نجف اشرف بدون ذکر تاریخ ملاحظه نمودم^(۳).

(۱۶)

ابوالحسن خلعتبری فصیح

(۱۳۲۳ - ۱۴۱۳)

(۱) الکرام البرره: ۳۳

(۲) فهرست کتب مشایخ عظام: ۲۲۰

(۳) الذریعه: ۱۴ / ۱۸۵

ابوالحسن خلعتبری فرزند مرحوم میرزا یحیی مجتهد از قضات عالی‌رتبه دادگستری است. دارای تالیفاتی است که نگارنده دو جلد از آنها را که بچاپ رسیده است ملاحظه نمودم

۱ - حقوق الهی و بشری.

۲ - قیام عظیم اسلامی امام حسین سید الشهداء.

او شرح حال خود را برایم در تاریخ ۱۳۷۰/۷/۱۴ در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی در قم به شرح زیر چنین ذکر کرد:

حاج ابوالحسن خلعتبری متخلص به (فصیح) فرزند مرحوم میرزا یحیی مجتهد در سال ۱۲۸۴ خورشیدی در تنکابن متولد گردیدم مقدمات را در تنکابن فراگرفتم سپس رهسپار قم گردیده و در قم ادبیات عرب و قسمتی از فقه و اصول را فراگرفته و انگاه به تهران عزیمت نمودم و در دانشکده حقوق وارد گردیده و باخذ لیسانس قضائی نائل شدم و به استخدام وزارت دادگستری در آمده و بالغ بر سی سال بقضاوت اشتغال داشته و سپس باز نشسته شدم. کتابی بنام (اسلام دین انسان) تألیف نمودم که هنوز پاکتویس و چاپ نگردیده است.

از سال ۱۳۲۹ خ مجله هفتگی (مکتب آزادی) بمدیریت او منتشر گردید و بالغ بر بیست سال انتشار آن در تهران ادامه داشت.^(۱) و صاحب امتیاز مجله کیفر روز منتشر از سال ۱۳۳۰ بوده^(۲).

در اوائل اسفند ۱۳۷۱ در تهران وفات نمود و مجلس ختمی از طرف پزشکان خاندان خلعتبری در روز جمعه ۷ / ۱۲ / ۷۱ در مسجد الجواد تهران برگزار گردید. در آن اعلامیه - عدل الملوك - محمد علی - منصور - عباد الله - غفور - مسعود - ارسلان - محمود - مجید - معصوم - سیمین - بهزاد - فریبرز - اسماعیل - بوذرجمهر - پرویز - (همگی دکتر و نام خانوادگی خلعتبری میباشد) امضاء

(۱) فهرست روزنامه‌های فارسی: ۱۹۸ بشماره ۱۱۸۲.

(۲) فهرست روزنامه‌های فارسی: ۱۷۹ بشماره ۱۰۶۴.

نمودند.

(۱۷)

شیخ ابو الفتوح تنکابنی

(ق ۱۱ - بعد از ۱۱۳۳)

ابو الفتوح بن ابی الحسن تنکابنی از علماء و بزرگان تنکابن بوده، از تاریخ تولد و وفات و تحصیلات او اطلاع دقیقی بدست نیامده. از تالیفات او کتابی است در اصول دین و در اخاتمه عبادات را خلاصه و مختصر ذکر نموده.

علامه سید محسن امین مؤلف کتاب (اعیان الشیعه) کتاب مذکور را مشاهده نموده مینویسد:

تاریخ کتابت ۱۱۳۳ میباشد^(۱).

محقق طهرانی در الذریعه مینویسد:

کتاب را نزد شیخ محمد سلطان المتکلمین در طهران مشاهده کردم^(۲).

(۱۸)

ابوالفضل تنکابنی

(۱۳۲۲ - ۱۳۷۷)

ابوالفضل بن میرزا طاهر بن فرج الله فقیه تنکابنی از فضلاء و فقهاء جلیل

(۱) اعیان الشیعه: ۲ / ۳۹۴

(۲) الذریعه: ۲ / ۱۸۲. آغاز الحمد لله الذی رفع السماوات بغير عمد... کتاب را به اثبات خداوند آغاز و سپس به نبوت و امامت و معاد پرداخته و به مختصری از عبادات کتاب را با تمام رسانیده است.

القدر ودر تهران سکونت داشته.
در شنبه ۲۹ رمضان مطابق ۳۰ فروردین ۱۳۳۷ درگذشت ودر این بابویه
(شهر ری) بخاک سپرده شد.^(۱)

(۱۹)

شیخ ابوالفضل واعظی

(۱۳۴۳ - ۰۰۰)

ابوالفضل بن ملا محمد واعظی مشهور به سلطان الواعظین ابن ملا علی اکبر
بن ملا اسماعیل کشکوئی واعظی.

در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در کشکوی تنکابن متولد گردید، خواندن و نوشتن
را در سنین کودکی فراگرفت و به کشاورزی مشغول شد.

در سال ۱۳۲۶ خورشیدی تحصیل علوم دینی را آغاز نمود. ابتداء قسمتی از
ادبیات عربی را نزد میرزا ابوالفضل علامه در شهسوار فراگرفت و سال بعد به قم
مهاجرت نمود و مدت یازده سال در قم به تحصیلات علوم دینی اشتغال داشت
و مدارج عالییه را طی و در سال ۱۳۳۸ خ به تنکابن بازگشت در (شهسوار تنکابن)
مقیم شد. به امامت جماعت و تبلیغ مشغول گردید و مجدداً در سال ۱۳۴۹ - خ
به قم رفت و پس از چندین سال تحصیل و تدریس در اثر کسالت و ناراحتی به
شهسوار بازگشت و تاکنون در شهسوار به قضاء حوائج عامه اشتغال دارد.

اساتید نامبرده از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۸ خورشیدی بدین شرح است.

شیخ محمد رضا ادینه‌وند (لر) ادبیات عرب و سیوطی

شیخ احمد مزلقانی جامی و مغنی

مطول ومعانی بیان و بدیع و کفایه الاصول	شیخ جعفر سبحانی
حاشیه ملا عبدالله در منطق	سید علی زرآبادی
معالم الاصول	دکتر محسن جهانگیری
صلاة لمعه	شیخ حسین نوری همدانی
لمعه جلدین غیر از صلاة	میرزا علی مشکینی
رسائل و مکاسب	شیخ مصطفی اعتماد
اخلاق	حاج سید رضا صدر
خارج فقه و اصول	آیت الله العظمی مرعشی

نامبرده از فضلا و معاریف و دارای ملکات حسنه و شاعر و نویسنده میباشد از تالیفات او (کتاب تلخیص و مسائل الشیعیه) است که با سلوب جالب تالیف گردیده و نیز دارای (دیوان شعر) مشتمل بر مدائح و مراثی و غیره است.

فرزند ارشد مترجم ابو الحسن واعظی که از فرهنگیان فاضل و با کمال تنکابن (سالف الذکر) میباشد تاریخ تنکابن را تدوین امید است این اثر را چاپ و منتشر نماید.

(۲۰)

ابوالفضل علامه

(۱۳۱۹ - ۱۴۰۵)

میرزا ابوالفضل^(۱) بن موسی طبیب بن میرزا محمد تنکابنی سلیمان آبادی. در سلیمان آباد تنکابن متولد گردید مقدمات را در تنکابن فرا گرفت سپس به

(۱) نگارنده در پشت قرآن خطی که مرحوم میرزا محمد تنکابنی در آن تلاوت میکرد تاریخ تولد او را بخط پدرش مشاهده کردم پدرش نام او را عباس و مکنی به ابوالفضل نموده بود، کنیه بر نامش غلبه کرد و لذا به کنیه معروف گردید.

قزوین و قم رفت و سرانجام مدارج عالیہ را در نجف اشرف طی و پس از نیل بمقام اجتهاد و اخذ اجازات حدود ۱۳۵۵ به ایران بازگشت و به سر دفتری اسناد رسمی و ازدواج و طلاق شهرستان شہسوار منصوب گردید و حدود چهل سال در این سمت باقی بود و در تمام این مدت در تدریس و تعلیم کوشا بود و عده زیادی از فضلا تنکابن قسمتی از ادبیات و سطوح را نزدش تلمذ نمودند.

در سال ۱۳۹۴ ق از سر دفتری اسناد رسمی باز نشسته گردید اوائل سال ۱۴۰۵ (۱۹ مرداد ۱۳۶۴) پس از یک سلسله بیماری در شہسوار درگذشت و در مقبره خانوادگی در سلیمان آباد بخاک سپرده شد.

اساتیدش عبارتند از: شیخ عبدالکریم حائری یزدی (متوفی ۱۳۵۵) - آقا ضیاء عراقی (متوفی ۱۳۶۱) - سید ابوالحسن اصفہانی (متوفی ۱۳۶۵) - سید محمد حجت کوزه کمبری (متوفی ۱۳۷۱) - سید محمد تقی خونساری (متوفی ۱۳۷۲) و از نامبردگان اجازہ اجتهاد داشت.

نگارنده کراً او را ملاقات نمودم او از دوستان بوده وی را فردی دانشمند و مطلع و متواضع و مؤدب دیدم.^(۱)

(۲۱)

سید ابوالقاسم اشکوری

(۱۳۴۹ - ۰۰۰)

سید ابوالقاسم اشکوری، از سادات حسینی اشکور و از دانشمندان و مدرسین معروف نجف اشرف و عمده تحصیلاتش نزد آخوند خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و شیخ الشریعہ اصفہانی بوده، عده‌ای از فضلا در

(۱) شرح حال خود را در سال ۱۳۹۴ برای نگارنده بیان نمود.

نزد او فقه و اصول تلمذ نمودند.

در نجف اشرف وفات و در جوار مرقد مقدس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مدفون گردید.

(۲۲)

سید ابوالقاسم تنکابنی

(ق ۱۴)

سید ابوالقاسم تنکابنی از دانشمندان و فضلاء در تنکابن متولد گردید پس از طی مقدمات راهی نجف اشرف گردید، در نزد علماء و دانشمندان بالخصوص نزد شیخ شعبان گیلانی دیوشلی^(۱) تلمذ نمود^(۲) و مدارج عالیه را کسب و بتدریس اشتغال ورزید.

بعد از نیمه اول قرن چهاردهم وفات کرد.

(۲۳)

سید ابوالقاسم مقدس

(حدود ۱۲۰۵ - قبل ۱۲۸۷)

سید ابوالقاسم بن میر محمد حسین آخوندی مشهور به مقدس تنکابنی، از علماء و بزرگان تنکابن و دائی میرزا محمد تنکابنی مؤلف (قصص العلماء) است.

(۱) شیخ شعبان گیلانی (۱۲۷۵ - ۱۳۴۹) از علماء و دانشمندان و مدرسین معروف قرن چهاردهم در نجف اشرف بوده شرح حالش در مقدمه کتاب القضاء بطور مشروح ذکر گردیده است.

(۲) مقدمه کتاب القضاء شیخ شعبان گیلانی.

مؤلف نضره الناظرین مینویسد:

السید ابوالقاسم الملقب بالمقدس المطلق، عالم تقی فاضل زکی کان

منزویا ...

علامه تهرانی مینویسد:

وی از شاگردان شیخ احمد احسائی در کربلا واز مراجع مورد وثوق

اهالی تنکابن بوده^(۱).

او مقدمات را در تنکابن تحصیل نموده و سپس به اصفهان عزیمت کرد و پس از مدتی کوتاه به کربلا رفت در بحث سید علی صاحب ریاض و فرزندش سید محمد صاحب (مناهل) و شریف العلماء حضور یافته واز بحث آنان استفاده شایان نموده و پس از حصول بمقام اجتهاد به تنکابن بازگشت و به تدریس و قیام به امور عامه پرداخت و در تنکابن وفات کرد.

(۲۴)

سید ابوالقاسم اشکوری

(ق ۱۳ - ق ۱۳۲۵)

سید ابوالقاسم بن معصوم حسینی اشکوری - از شاگردان میرزا حبیب الله گیلانی املشی (متوفی ۱۳۱۲ در نجف اشرف) است. پس از نیل بمقام اجتهاد بتدریس مشغول شد.

در اواخر عمرش عده‌ای از اهالی تنکابن و اشکور از او تقلید نمودند.

علامه نوری در کتاب (دارالسلام) رویای صادقه‌ای که دال بر کرامات

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است از او نقل مینماید^(۲).

(۱) الکرام البرره: ۲۲.

(۲) در دارالسلام: ۲ / ۱۶۵ مینویسد: حدثنی العالم الفاضل وقدوه ارباب الفضائل التفه التفه الصالح الزکی

دارای تالیفاتی است در فقه و اصول از جمله:

- ۱ - بغیة الطالب فی شرح المکاسب^(۱).
 - ۲ - جواهر العقول فی شرح فرائد الاصول^(۲).
 - ۳ - حاشیه بر رسائل^(۳).
 - ۴ - تقریرات بحث استادش میرزا حبیب الله گیلانی^(۴).
- ضمناً فتوای نامبرده در تحریم رفتن حجاج از راه جبل در سال ۱۳۲۰ ضمن فتوای عده‌ای از علماء بچاپ رسید. در هفدهم شوال بعد از سه سال بیماری در نجف اشرف وفات نمود. نامبرده برادرانی دانشمند و عالم بنامهای سید جعفر و سید محمد علی و سید مرتضی (متوفی ۱۲۹۸) داشته و همگی از شاگردان میرزا حبیب الله گیلانی و دارای تصانیف میباشند^(۵).

(۲۵)

سید ابوالقاسم بن المؤید بالله

(ق ۵)

المولی النبیل الربانی السید ابوالقاسم بن السید معصوم الحسینی الاشکوری ... و سپس دو خواب جالب از او نقل مینماید.

(۱) در سال ۱۳۱۳ ق در قطع رحلی سنگی بچاپ رسید و سپس در سالیای ۱۳۱۹ و ۱۳۲۲ مکرر چاپ گردید.

(۲) الذریعه: ۲۷۲/۵.

(۳) در الذریعه ۱۵۳/۶ مینویسد:

نام این حاشیه جواهر العقول است ولی احتمالاً این غیر شرح فرائد است. زیرا این حاشیه و کتاب جواهر العقول شرح میباشد.

(۴) در نقباء البشر: ۷۶/۱ مینویسد:

حاشیه بر رسائل تقریرات میرزای رشتی است.

(۵) نقباء البشر: ۷۶/۱ - الذریعه: ۱۳۳/۳ و ۲۷۲/۵ - معجم المؤلفین ۱۲۵/۸ علماء معاصرین: ۸۶/۱ - اعیان

الشیعه: ۴۱۶/۲ - مشهد الامام او مدینه النجف: ۱۳۲/۳ زندگانی و شخصیت شیخ انصاری: ۳۵۷ - الذریعه:

۸۰/۱ - معجم رجال الفكر والادب: ۳۲ - دائرة المعارف تشیع: ۲۰۲/۲.

سید ابوالقاسم بن المؤید بالله بعد از فوت عمویش ناطق بالحق ریاست دینی و سیاسی نواحی تنکابن را داشته و در گزما (جزما یا جزمه) وفات و مدفون گردید.

میر ظهیر الدین مرعشی در تاریخ گیلان و دیلمستان / ۴۴۸ مینویسد:

روز دوشنبه دهم رجب را به ولایت دو هزار به قریه جزما که مزار مبارک

ابوالقاسم بن مؤید بالله علیهما الرحمة والغفران است فرود آمده ...

رابینوا در مازندران و استرآباد / ۱۶۶ مینویسد:

جزما که ابوالقاسم بن المؤید بالله در آنجا مدفون است ...

و نیز در فرمانروایان گیلان / ۱۱۵ مینویسد:

ابوالقاسم پسر المؤید بالله در جائی بنام «جزما» Jazma مدفون است

این خاندان پس از فرزند سید رکابزن کیا که در سال ۷۶۹ هجری فرمانروای

«تنکابن» و «شیرود» و «دو هزار» بود ولی تاب ایستادگی در برابر سید علی

کیا ملاطی را نداشت از بین رفت.

البته این مطالب مسلماً اشتباه و بی اساس است چونکه مترجم ما پس از

ناطق بالحق بسال ۴۲۲ یا ۴۲۴ ریاست امور مذهبی را عهده دار گردیده - و سید

رکابزن کیا در قرن هشتم یعنی حدود سیصد سال بعد از سید ابوالقاسم بوده

(بشرح حال سید رکابزن مراجعه گردد).

در تاریخ تنکابن / ۱۶۰ آمده است:

پس از ناطق بالحق برادر زاده اش فرزند مؤید بالله، میر ابوالقاسم

ریاست امور مذهبی و احتمالاً حکومت تنکابن و قسمتی از دیلمان را

بدست گرفت پس از مدتی در روستای جازما «گزما» از بلوک دو هزار تنکابن

زندگی را بدرود گفت و در همانجا مدفون گردید.

(۲۶)

سید احمد اشکوری

(حدود ۱۳۲۵ - ۱۳۸۰)

سید احمد بن ابوالحسن بن عباس بن محمد علی بن قاسم بن عبدالمطلب بن میرک حسینی اشکوری نجفی.

در نجف اشرف متولد گردید. تحصیلات مقدماتی را بسرپرستی پدرش که از علماء نجف اشرف بود آغاز کرد و سپس سطوح را نزد سید میر قفقازی (داماد مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی) و میرزا باقر زنجانی تلمذ نمود و به درس خارج فقه و اصول مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی و میرزا باقر زنجانی حضور یافت و از بحث میرزا باقر استفاده شایان نمود و بدرجه کمال نائل گردید.

وی از مدرسین معروف نجف اشرف در تدریس کفایه الاصول و رسائل و مکاسب بوده. بسیاری از فضلا معاصر نزدش تلمذ نموده و استفاده بردند. سالهای اخیر در مسجد سقاها واقع در بازار مشراق نجف اشرف امامت جماعت داشت و بسیاری از اخیار بدو اقتداء میکردند.

او از مریبان اخلاق علمی و عملی بود و برای عده‌ای از کسبه جلسات درس در سطح آنها داشت و بسیاری از اخیار در جلساتش حضور میافتند.

آن مرحوم در میان اخیار مورد وثوق و احترام و مشار الیه بالبنان بوده. او اواخر مبتلا بناراحتی‌های مختلف و درد کمر گردید و سپس مبتلا بسرطان شد در بغداد و نجف به اطباء معروف مراجعه و مداوا نمود ولی مداوا موثر واقع نشد و مرضش شدت کرد سرانجام روز یکشنبه آخر شوال در نجف اشرف وفات کرد و در وادی السلام بخاک سپرده شد^(۱).

نگارنده کراراً او را مشاهده کرده بودم و وی را فردی خلوق و مهربان و متواضع و مؤدب دیدم.

مترجم با دختر استادش مرحوم سید میر قفقازی شهیر به بادکوبی وصلت نمود ولی متأسفانه بدون فرزند و عقیق از دنیا رفت از تألیفات او ۱ - شرح کفایه الاصول. ۲ - حاشیه بر عروة الوثقی. ۳ - حاشیه بر کتب حکمت و رسائل متعدده در فقه و اصول میباشد.

(۱) تراجم الرجال: ۱۶ - معجم رجال الفكر والادب: ۳۳ - طبقات اعلام الشیعه (نقباء البشر): ۱ / ۳۷.

(۲۷)

سید احمد حسینی تنکابنی

(حدود ۱۲۴۵ - ق ۱۴)

سید احمد بن ابوالحسن بن محمد حسین بن شمس الدین بن محمد کاظم بن محمد امین حسینی تنکابنی.

در تنکابن متولد گردید. پس از فرا گرفتن خواندن و نوشتن و ختم قرآن و آرد مدارس علمیه تنکابن شده، مقدمات را فرا گرفت و سپس به طهران عزیمت نمود. چندی در طهران به تحصیل پرداخت. در هفدهم شوال ۱۲۶۷ به کاشان مسافرت نمود و در ۲۳ شوال همان سال در مدرسه شاه (فتحعلی شاه قاجار) حجره گرفت به تحصیل پرداخت در چهاردهم شعبان ۱۲۶۸ از کاشان بطرف اصفهان حرکت نمود و در هیجدهم شعبان وارد اصفهان گردید مدت دو ماه در مدرسه شاه معروف به (چهار باغ) و یکسال و سه ماه در مدرسه حاج شیخ ابراهیم کرباسی به تحصیل مشغول بوده اوائل سال ۱۲۷۰ به مدرسه کاسه گران منتقل گردید و در طبقه دوم حجره‌ای در گوشه اختیار نمود و بعنوان یاد بود بر دیوار آن حجره اشعاری یادداشت نموده است. پس از یکسال و یازده ماه و اواخر سال ۱۲۷۱ مجدداً به مدرسه چهار باغ بازگشت و پس از اقامت یکسال و دو ماه اوائل شعبان ۱۲۷۳ به طرف تنکابن حرکت نمود و اواسط رمضان به تنکابن رسید به تدریس و افاضه مشغول گردید. و شهرتی کسب نمود.

وی دارای تالیفاتی است از جمله عبارتند از:

۱ - رساله در معاد^(۱).

۲ - رساله‌ای در شرح بعضی از ادعیه و احادیث و متفرقات عرفانی^(۲).

(۱) آغاز: بدانکه چنانچه شرح مبینی بر معاد جسمانی ...

(۲) رساله فوق در ضمن مجموعه‌ای بخط مولف در سالهای ۱۲۶۸ و ۱۲۶۹ تالیف گردیده. و نسخه در کتابخانه مدرسه فیضه در قم میباشد.

۳ - حاشیه بر شرح چغمینی^(۱)

۴ - حاشیه بر هیئت فارسی قوشچی^(۲).

اواخر قرن سیزدهم در قید حیات بود و از تاریخ فوت او اطلاعی حاصل نگردید.

(۲۸)

میرزا احمد اشکوری

(ق ۱۳ - ۱۳۰۰)

میرزا احمد اشکوری از علماء قرن سیزدهم و در تمل اشکور سکونت داشته و قبل از ۱۳۰۰ در تمل^(۳) وفات نمود دارای فرزندی بنام ملا علی بوده شرح حالش بیان خواهد شد.^(۴)

(۲۹)

میرزا احمد بدبوچالی^(۵)

(ق ۱۳ - حدود ۱۳۵۰)

(۱) آغاز: قوله هو المقصد الاقصى فى هذا الفن اى فن علم الهية ...

(۲) در سال ۱۲۷۰ در مدرسه کاسه گران اصفهان ابن حاشیه را تالیف نموده و در دیباچه کتاب مینویسد: روزهای پنجشنبه و جمعه نزد آخوند ملاحسین ابن ملا ولی الله مازندرانی ساکن محله شاهشهان اصفهان هیئت میخواندم و مجموعه بیانات ایشانرا بصورت ابن حاشیه در آوردم. دو رساله اخیر در يك مجلد در کتابخانه مدرسه فیضه قم میباشد.

فهرست کتابخانه مدرسه فیضه قم: ۱۳۴ / ۲

(۳) تمل بضم تاء و میم و سکون لام بر وزن (أمل) یکی از قراء اشکور سفلی و جزء شهسوار است.

(۴) تاریخ تنکابن. مخطوط

(۵) بدبوچال - یکی از دهات اشکور است.

میرزا احمد بدبوچالی قبل از ۱۳۰۰ ق متولد گردید پس از تحصیل مقدمات به نجف اشرف عزیمت کرد ومدارج عالیہ را طی نمود به موطن بازگشت. نامبرده فردی منزوی ومہذب بوده از او کراماتی نقل میکنند. حدود ۱۳۵۰ در اشکور وفات کرد.

(۳۰)

میرزا احمد خان تنکابنی

(ق ۱۴)

میرزا احمد خان تنکابنی از سیاسیین دوره مشروطہ واز اعضاء کمیته سری در اواخر سلطنت احمد شاه قاجار بوده حسین مکی در کتاب تاریخ بیست سالہ جلد اول / ۵۳۷ از او یاد نموده است.

(۳۱)

سید احمد تنکابنی

(۰۰۰ - حدود ۱۳۲۵)

سید احمد تنکابنی در تنکابن متولد گردید مقدمات را در زادگاہش فرا گرفت سپس بہ تهران رفت چندی در تهران تحصیل نمود وبہ عتبات مسافرت نمود وچندی در نجف وکربلا از محضر بزرگان عصر استفادہ نمود وبہ موطن بازگشت.

بعضی از مطالب متفرقه علمی را بصورت یادداشت تحریر نموده.

(۳۲)

احمد طبیب تنکابنی

(حدود ۱۲۵۰ - بعد از ۱۲۹۷)

احمد بن حسین بن احمد طبیب تنکابنی. حدود ۱۲۵۰ متولد گردید. پس از فراگرفتن مقدمات و سطوح به تحصیل طب همت گماشت و در عداد اطباء حاذق و معروف قرار گرفت.

فصول ابقراط را ترتیب داده و تنقیح نمود^(۱).

وفاتش بعد از ۱۲۹۷ اتفاق افتاد^(۲).

(۳۳)

احمد (ابوالحسن) المؤید بالله الهارونی

(۳۳۳ - ۴۱۱)

(۱) الذریعه: ۲۳۸/۱۶ عین نسخه در کتابخانه دانشگاه تهران میباشد.

آغاز بسمله حمد له ... وبعد فیقول ... احمد بن حسین بن احمد طبیب التنکابنی انی لما رأیت نسخه الفصول ...

(۲) در سال ۱۲۹۷ تملیکی در ظهیر حاشیه التجرید ملا عبدالرزاق لاهیجی دارد عین نسخه بشماره ۷۹۲ در دانشکده ادبیات میباشد (فهرست نسخه‌های خطی دانشکده ادبیات: ۵۲۵)

در ۱۶ ج ۱۲۹۱ احمد بن حسین بن احمد بن حسین شریف تنکابنی در مدرسه خان مروی طهران مجموعه‌ای را استنساخ نموده است. گویا همان احمد طبیب تنکابنی مترجم بشماره باشد.

فهرست نسخه‌های خطی دانشکده ادبیات: ۳۷۰

احمد بن حسین بن هارون بن محمد بن هارون بن محمد بن قاسم بن حسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام معروف به ابوالحسین یا ابوالحسن المؤید بالله الهارونی. از سادات حسنی و از حکام معروف تنکابن و از علماء و دانشمندان زیدیه بوده قبرش در لنگا معروف و مشهور است.

در کتاب سادات متقدمه / ۵۶۷ علامه لاهیجی شرح حالش را بطور تفصیل ذکر نموده و او را از علماء امامیه دانسته، وفاتش را در روز عرفه ۴۱۱ نوشته. در تاریخ طبرستان / ۱۰۱ و فرمان روایان گیلان / ۱۱۵ و تاریخ تنکابن / ۱۵۵ سال فوتش را ۴۲۱ ذکر نموده‌اند.

رابینو در کتاب مازندران و استرآباد / ۵۵ مینویسد:

سید ابوالحسین المؤید بالله که در دیلم به تبلیغات دینی می پرداخته آنجا را تصرف و مقر خود ساخته بود و در سال (۴۲۱ هجری قمری) وفات یافت و او را در خانه خود در لنگا بخاک سپردند قبرش تا قرن دهم هجری زیارتگاه^(۱) بود^(۲).

(۳۴)

احمد تنکابنی

(۰۰۰ - بعد از ۱۳۵۰)

(۱) در گیلان و مازندران مزارهای زیادی است. اغلب این مزارها قبور حکام زیدیه و بعضی از آنها قبور امراء و دعوات اسماعیلیه و بعضی هم مربوط به قبل از اسلام میباشد. عوام الناس این قبور را محترم شمرده و برای آنها نذر و نیاز مینمایند، بر روی قبورشان صندوق و ساختمانی احداث نموده و برای بعضی کراماتی جعل و نسب نامهای دروغین درست نموده‌اند. بهر حال این اعتقاد باطل و غلط هنوز در عوام الناس موجود است. و این اختصاص به گیلان و مازندران ندارد بلکه در بسیاری از اماکن دیگر وجود دارد. البته مزار امام زادگان معتبر و اولیاء الله معروف، و طبق احادیث وارده زیارتشان موجب اجر و ثواب آخرت است.

(۲) جهت مزید اطلاع به کتابهای: سادات متقدمه: ۵۶۷، تاریخ طبرستان: ۱۰۱ - فرمانروایان گیلان: ۱۱۵ و تاریخ تنکابن: ۱۵۵ لنگا: ۹۵. تاریخ تنکابن مخطوط مراجعه گردد.

احمد بن عبدالرزاق تنکابنی از فضلا و مدرسین حوزه علمیه نجف و مدتی در تهران بوده.
برخی از کتب فلسفی را استنساخ و مقابله نموده است.

(۳۵)

آقا احمد مرشد

(حدود ۱۲۵۰ - ق ۱۴)

آقا احمد بن عطاء الله بن محمد مرشد تنکابنی. در تنکابن متولد گردید در پنج سالگی شروع به خواندن و نوشتن نمود و سپس وارد مدرسه علمیه گردید. مقدمات و ادبیات عربی و منطق و معانی را تحصیل و به قزوین رهسپار گردید. در قزوین به تحصیل فقه و اصول و حکمت و طب پرداخت^(۱). حدود ۱۲۷۵ به نجف اشرف رفت و مدارج عالی را تحصیل و حدود ۱۲۹۰ به موطن بازگشت به حل و فصل امورات عامه پرداخت و در اوائل قرن چهاردهم وفات کرد.

سید اسماعیل در نضره الناظرین مینویسد:

آقا احمد الان فی العتبات رجل فاضل عالم طبیب ادیب ظریف سلیم
النفس کثیر الزهد والعباده^(۲).

(۱) در تاریخ ۱۲۶۹ هنگام تحصیل در مدرسه حاجی ملا محمد تقی قزوینی برغانی (شهید بدست فرقه ضاله بایه) کتاب قوانین الاصول و کتاب المقادیر و الموازین مرحوم ملا محمد باقر مجلسی و تجرید خواجه نصیر الدین طوسی را جهت خود استنساخ نموده.
(۲) فصل دوم، مخطوط.

(۳۶)

میرزا احمد اشکوری

(۱۳۹۵-۱۳۱۵)

میرزا احمد بن ملاعلی تملی - در تمل اشکور متولد گردید - تحصیلات مقدماتی را در مدرسه علمیه نارنج بن رامسر نزد شیخ محمد حسین غریب فراگرفت و سپس به قزوین رفت و سطوح عالییه را در قزوین تحصیل نمود و به تهران عزیمت نمود و در نزد مرحوم سید محمد تنکابنی و شیخ محمد رضا تنکابنی و الموتی تحصیل نمود و به قم مهاجرت نمود و به درس حاج شیخ عبدالکریم حائری حضور یافت و به تهران مراجعت نمود و تا آخر عمر در تهران اقامت داشت - و حدود سی سال در دانشکده افسری تدریس نمود تا اینکه بازنشسته گردید - و در تهران وفات کرد.^(۱)

(۳۷)

سید احمد حسینی اشکوری

(۱۳۵۰-۰۰۰)

سید احمد بن علی بن حسن حسینی اشکوری نجفی در شب ۱۳ ربیع الاول در نجف اشرف متولد گردید. تحصیلات مقدماتی و سطوح را بسرپرستی پدرش (سید علی آتی الذکر) در زادگاه خود گذرانید. و به تألیف و تحقیق مشغول گردید، در سال ۱۳۹۱ به قم منتقل شد و تاکنون در آن شهر بکارهای علمی و تحقیقی اشتغال دارد، در خلال این مدت مسافرت‌های متعدد به یمن و لبنان و سوریه

(۱) تاریخ تنکابن. مخطوط

وکویت و عربستان سعودی و انگلستان و ... جهت بازدید از کتابخانهها و نسخ خطی نموده.

نامبرده از دوستان قدیمی اینجانب و سالها با هم محشور میباشیم از آثار او:

- | | |
|---|--------------|
| حیة الشریف الرضی | چاپ نجف ۱۳۸۵ |
| الامام الحکیم | چاپ نجف ۱۳۸۵ |
| الامام الشاهرودی | چاپ نجف ۱۳۸۶ |
| الامام الثائر السید مهدی الحیدری | چاپ نجف ۱۳۸۶ |
| فهرست مخطوطات الشیخ محمد الرشنی المهداة الی مکتبه الامام الحکیم | چاپ نجف ۱۳۹۱ |

- | | |
|---|--------------------------------|
| مخطوطات الروضه الحیدریه | چاپ نجف ۱۳۹۱ |
| فهرست کتابهای خطی کتابخانه آیت الله العظمی نجفی مرعشی در قم ۲۱ | چاپ قم انتشارات کتابخانه مزبور |
| جلد بانضمام دو جلد راهنما | چاپ قم انتشارات کتابخانه مزبور |
| فهرست کتابهای خطی کتابخانه آیت الله العظمی گلپایگانی در قم سه جلد | چاپ قم ۱۳۵۷. خ |

- | | |
|-------------------------|--------------|
| دلیل المخطوطات | چاپ قم ۱۳۹۷ق |
| تراجم الرجال | چاپ قم ۱۴۰۳ق |
| اجازات الحدیث للمجلسی | چاپ قم ۱۴۱۱ق |
| تلامذه المجلسی | چاپ قم ۱۴۱۱ق |
| مؤلفات الزیدیه سه جلد | چاپ قم ۱۴۱۳ |
| قصه حیاتی | چاپ نشده |
| المفصل فی تاریخ الاعلام | چاپ نشده |

کتابهاییکه بهمت یا تحقیق نامبرده به چاپ رسیده زیاد است از جمله آنها

- ۱- امل الامل تالیف شیخ محمد بن الحسن الحر العاملی چاپ نجف
- ۲- تتمیم امل الامل تالیف شیخ عبدالنبی قزوینی
- ۳- تکمله امل الامل تالیف سید حسن صدر
- ۴- مجمع البحرين تالیف طریحی شش جلد چاپ نجف

۵- ریاض العلماء تالیف میرزا عبدالله افندی شش جلد چاپ قم
و غیره، اکنون در قم بکارهای علمی و تحقیقی اشتغال دارد.

(۳۸)

سید احمد اشکوری

(ق ۱۲ - ق ۱۳)

سید احمد بن فضل الله حسینی اشکوری. شهیر به اشکوری گیلانی.
از فقها و دانشمندان بوده و احتمالاً اواخر قرن دوازدهم و اوائل قرن سیزدهم
میزیسته.

وی کتابی در فقه بنام ترجمه حیدریه تالیف نموده است^(۱).

(۳۹)

ملا احمد کیثمی

(حدود ۱۲۰۰ - بعد از ۱۲۵۰)

ملا احمد بن محمد تنکابنی جیلانی در کیسم (کیثم) گیلان متولد گردید
مقدمات را در رشت تحصیل نمود و سپس به اصفهان مسافرت نمود به تحصیل

(۱) نسخه کتاب در کتابخانه وزیری بشماره ۱۳۴۲ محفوظ میباشد آغاز نسخه موجود.

بسمله ... حمدله المستحق للعباد بین خلقه اجمعین

انجام

... بعد از حمد و رکعت اول سوره اعلی بخواند.

حکمت و عرفان و ریاضیات و فقه و اصول پرداخت و مدارج عالیہ را طی بہ تنکابن رفت و در آنجا مقیم گردیده و در همانجا وفات کرد.

نگارنده بعضی از کتابہائی را کہ در حین تحصیل و در حین اقامت در تنکابن تملیک و یا استنساخ نموده و تاریخ آنها از سال ۱۲۲۵ تا ۱۳۳۴ بوده در کتابخانہ عمومی شہرستان تنکابن (شہسوار) ملاحظہ نمودم.

(۴۰)

سید احمد حسینی تنکابنی

(ق ۱۲ - قبل از ۱۱۹۱)

سید احمد بن امیر محمد حسین حسینی تنکابنی. از علماء جامع معقول و منقول و در تنکابن میزیستہ.

شیخ عبدالنبی فزونی در تتمیم امل الامل مینویسد:

«کان شهاباً ساطعاً و سیفاً قاطعاً و نوراً باہراً و قمرأ زاهراً و بحرأ ذاخراً و علماً شامخاً و طوداً باذخاً ارتدی بالفضل الکامل و تحلی بالعلم الشامل و برع فی جمیع العلوم وفاق فی شجونها و تضلع فی المنقولات و المعقولات و تمہر فی رمہ فنونها، تبرکت بلقائہ و هو فی اوائل شبابہ و استفدت و هو فی مقتبل عمرہ و ابتداء ایامہ توفی رحمہ اللہ فی تنکابن و لم یتفق لی تاریخہ^(۱)».

قبل از ۱۱۹۱ ق وفات کرد.

احتمالاً نامبرده غیر از سید احمد بن میر محمد حسین بن عبدالمطلب بن عبدالمطلب سید علی پلا سید حسینی مذکور در بزرگان رامسر: ۳۲ میباشد چه

(۱) نیم امل الامل: ۶۳. این کتاب در سال ۱۱۹۱ تالیف گردیده است. و در اصل ناقص است. اعیان الشیعہ:

آنکه مترجم ما زمانش متأخر از اوست و آنکه در بزرگان رامسر: ۳۲ ذکر گردیده
اوائل قرن دوازدهم وفات یافته است.

(۴۱)

سید احمد حسینی تنکابنی

(ق ۱۲ - بعد از ۱۲۵۰)

سید احمد بن محمد حسین شریف حسینی تنکابنی از اطباء حضور فتح
علیشاه قاجار بود.

مرحوم سید محسن امین عاملی در اعیان الشیعه مینویسد:

سید شهاب الدین (آیه الله العظمی مرعشی نجفی) نقل کرد: نامبرده
نسبش به سلطان علی کیا که از سلاطین کیائیها بوده منتهی میگردد. وی از
افاضل عصر در علم و ادب میباشد.

دارای دیوان شعری است که بخط نامبرده مشاهده نمودم و اکنون نزد
بازمندگاناش میباشد^(۱).

در مطرح الانظار / ۱۸۰ مینویسد:

و در فتون فضائل بخصوص طب حذاقتی کامل داشته و از جانب پدر

بشیخ زاهد گیلانی و از طرف مادر بحکیم موطن تنکابنی میرسد^(۲).

میرزا حبیب الله امجد الاطباء و میرزا نصر الله شمس الاطباء از معاریف اطباء

(۱) اعیان الشیعه جلد ۱۰۲/۵۴ چاپ قدیم. البته در چاپ جدید که در ده جلد بزرگ بجاب رسیده این
مطلب را مشاهده نکردم.

(۲) مترجم ما سید واز سادات حسینی است. آنکه مطرح الانظار مینویسد از طرف پدر بشیخ زاهد گیلانی
حتماً اشتباه است زیرا شیخ زاهد گیلانی سید نبوده لابد از طرف مادر پدرش به شیخ زاهد گیلانی منسوب
میگردد.

تهران فرزندان او میباشند.

نجم آبادی مینویسد:

نامبرده از اطباء زمان قاجاریه و اواسط مائه سیزدهم هجری وطیبب
مخصوص فتحلیشاه، مردی فاضل وطیبب حاذقی بوده از طرف مادر
بحکیم مؤمن صاحب تحفة المؤمن میرسد^(۱).

دارای تالیفاتی است که عبارتند از:

۱- براء الساعه فارسی ترجمه‌ای است از کتاب زکریای رازی که بیست و سه
باب آن تالیف رازی وهفت باب را نامبرده بسلیقه خود بدان اضافه ودر مقدمه
ترجمه کتاب باین معنی اشاره نموده است وکتاب را به فتحعلیشاه قاجار اهدا
واین کتاب بچاپ رسیده است^(۲).

۲- مطلب السؤال فارسی بنام محمد شاه قاجار تالیف نموده وفرزندش میرزا
محمد حکیم باشی آنرا تنقیح نموده است^(۳).

۳- اسهالیه فارسی. در علاج انواع مرضهای اسهال^(۴).

۴- شرح الصلوات علی النبی. این کتاب را به محمد ولی میرزا فرزند

(۱) شرح حال ومقام محمد زکریای رازی: ۲۳۰

مرحوم سید محسن امین عاملی در اعیان الشیعه چاپ جدید: ۱۰۲/۳ ترجمه نامبرده را با ترجمه احمد بن
میر محمد حسین مذکور درآمیخته وعبارات صاحب تکلمه را عیناً نقل کرده سپس بر مرحوم علامه محقق
شیخ آغا بزرگ طهرانی اعتراض نموده مینویسد:

(والعجب ان القزوينی یصفه بهذه الصفات وصاحب الذریعه یقتصر فی وصفه علی الطیبب
الماهر).

در صورتیکه با کمی تاامل ودقت معلوم میشود ترجمه دو شخص است زیرا مترجم ما معاصر فتحعلیشاه
قاجار (۱۲۱۲ - ۱۲۵۰) وآنکه مرحوم شیخ عبدالنبی قزوینی نقل نموده (که در ترجمه احمد بن امیر محمد
حسین حسینی تنکابنی نقل نمودیم) قبل از سال تالیف تکلمه یعنی (۱۱۹۱ هـ ق) فوت کرده. پس مرحوم
طهرانی بادقت وتحقیق مطلب را بیان نموده واعتراض وارد نیست.

(۲) اعیان الشیعه: ۱۰۲/۳ - فهرست مولفین کتب چاپی ۳۷۶/۱ - الذریعه ۸۳/۳

(۳) فهرست نسخه‌های خطی چهار کتابخانه مشهد: ۱۷۵ - الذریعه: ۱۴۸/۲۱

(۴) نجم آبادی ۶۴ - فهرست کتابهای چاپی فارسی: ۱۰۱ الذریعه ۷۱/۲ درجلد ۱۵ الذریعه صفحه ۳۰۹ بنام
علاج الاسهال آمده است.

فتحعلیشاه قاجار اهداء نموده و از کتاب جمال الاسبوع هم نقل مینماید. در سال ۱۲۱۹ از تألیف فارغ گردید که بعداً به چاپ رسیده است.^(۱)

از تألیف این کتاب اینطور استنباط میگردد که باید تولدش او آخر قرن دوازدهم باشد هر چند ممکن است در سنین جوانی یعنی ۱۸ نوزده سالگی تألیف شده باشد ولی بعید بنظر میآید و وفاتش بطور حتم بعد از ۱۲۵۰ است زیرا سلطنت محمد شاه قاجار را درک کرده است و کتاب مطلب السؤل را بنام او تألیف نموده است.

(۴۲)

کاکو اردشیر تنکابنی

(ق ۸)

کاکو اردشیر تنکابنی از سردارهای رشید و با کفایت این خطه است که سید علی کیا امیر لاهیجان نسبت باو اعتماد داشته.

علامه لاهیجی مینویسد:

در جنگی که بین امیر فلك الدين رشتی و سید علی کیا بن امیر کیا لاهیجانی واقع شد و بالاخره بصلح منجر گردید، متصرفی امیر مسعود بسید علی کیا برگذار گردید. که نامبرده (سید علی) کو چصفهان را به سید ناصر کیا و خمام را به فرخ زاد پسر جلال الدین محمد برگذار نمود و کاکو اردشیر تنکابنی را به نگهبانی ملک مقرر داشت.^(۲)

(۱) اعیان الشیعه ۱۰۲/۳. فهرست نسخه‌های خطی مدرسه فیضه: ۱۳۴/۲ کتاب مطلب السؤل و اسهاله و بره الساعه باهتمام سید محمد طیب فرزند نامبرده در سال ۱۳۰۴ ق و ۱۳۱۷ ق بچاپ رسیده است و نیز غیر از این دو چاپ چاپهای دیگری شده. مؤلفین کتب چاپی: ۲۷۶/۱

(۲) رجال دو هزار ساله گیلان: ۲۵۲.

این حادثه بین سالهای ۷۶۹ و ۷۷۰ اتفاق افتاده.

(۴۳)

ارسلان خلعتبری

(۱۳۲۴ - ۱۳۹۷)

ارسلان بن امیر اسعد خلعتبری تنکابنی. در سال ۱۲۸۳ خورشیدی در خرم آباد تنکابن متولد گردید. پس از آنکه خواندن و نوشتن را فرا گرفت وارد مدرسه کالج آمریکائی تهران گردیده و در سال ۱۳۰۱ خورشیدی موفق بدریافت گواهی نامه گردید و در سال ۱۳۰۹ خورشیدی دوره دبیرستان را بپایان رسانیده و در سال ۱۳۱۰ بدریافت لیسانس حقوق از طریق مکاتبه از دانشکده هاپلنتن آمریکا نائل شد و در سال ۱۳۱۱ موفق به اخذ لیسانس از دانشکده حقوق گردید ضمناً در همین موقع در نزد اساتید معروف تهران به تحصیل ادبیات عربی و فقه و اصول پرداخت و مدارج عالی را طی نمود. و از این پس وارد خدمت گردید. مشاغلی که نامبرده داشته از این قرار است.

معلم حقوق در شعبه تجارت دبیرستان البرز - وکیل دادگستری - مشاور حقوقی وزارت فرهنگ - عضو هیئت مدیره کانون وکلا و ریاست کانون وکلا. دارای تالیفاتی است از جمله:

- ۱ - آریستوگرائی در ایران که بسال ۱۳۲۳ بیچاپ رسید.
- ۲ - حقوق بازرگانی و شرح قانون تجارت در سال ۱۳۱۲ چاپ گردید.
- ۳ - حقوق بین الملل خصوصی، تعارض قوانین ۱۳۱۶ چاپ شده.
- ۴ - مقصرین را بشناسید سال ۱۳۲۳ چاپ گردیده^(۱).

در سال ۱۳۵۶^(۱) خورشیدی وفات کرده. و در مقبره ظهیر الدوله تهران بخاک سپرده شد.

در کتاب خاندان خلعتبری / ۳۱ مینویسد:

امیر ارسلان خلعتبری مادرش بانو محترم السلطنه دختر عبدالله خان انتظام الدوله نوری بوده، تحصیلات خود را در کالج امریکائی تهران به پایان رسانید و بزبان انگلیسی مسلط میباشد، و بعد وارد رشته حقوق گردیده و در امور قضائی یکی از وکلای مبرز وزارت دادگستری است و حقوق دان بین المللی هم می باشد، مدتها شهردار پایتخت بوده و بعداً باستانداری گیلان منصوب و چندین دوره هم از مجالث تنکابن به وکالت مجلس شواری ملی انتخاب گردید فرزندانش بنام علیخان و بانو غزال و گلی خانم و ارغوان خانم میباشد.

(۴۴)

اسدالله تنکابنی

(ق ۱۳ - ق ۱۴)

اسد الله تنکابنی از اطباء اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم بوده. برخی از رساله های طبی را استنساخ و در حاشیه توضیحاتی دارد که حاکی از تتبع و فضل او است. تاریخ استنساخ را بین سالهای ۱۲۹۵ و ۱۳۰۰ یاد نموده^(۲) بعد از سال ۱۳۰۰ ق وفات نموده.

(۱) در سنگ قبر تاریخ فوت ۱۳۵۶ خورشیدی و در کتاب فهرست مستند اسامی مشاهیر و مولفان پیوست ۵۱/۳ سال فوت ۱۳۵۸ خورشیدی ذکر نموده است، که قطعاً اشتباه است.
(۲) نسخه ها را در سال ۱۳۸۹ ق در کتابخانه شخصی آقای حاج سید محسن پیرسیدی ملاحظه نمودم.

(۴۵)

اسدالله خلعتبری

(ق ۱۴)

اسدالله خلعتبری از ادباء قرن معاصر و از صاحب منصبان ارتش ایران بوده. دارای طبع شعر و بعضی از آثارش به چاپ رسیده از جمله:

۱ - پندار گلستان جهان جلد ششم^(۱).

۲ - دیوان شعر بنام کتاب جنگل در چهار جلد^(۲).

(۴۶)

اسدالله صفوة الملك

(ق ۱۳ - ق ۱۴)

اسدالله صفوه الملك مشرقی نواده فتحعلی خان تنکابنی رئیس دفتر قدیم وزارت خارجه متخلص به مشرقی و صفوة الملك از عرفاء و از پیروان طریقه ذهبیه بوده، و به مرحوم حاج محمد زمان جلابری کلاتی متخلص به حکیم ارادت داشته^(۳).

از تالیفات او کتاب وسیله النجاة فی مناقب الائمة الولاية است^(۴) که بفارسی منظوم و در مناقب میباشد^(۵).

(۱) در سال ۱۳۳۹ خورشیدی در تهران به چاپ رسید.

(۲) در سالیهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۸ خورشیدی چاپ گردید. مولفین کتب جای: ۵۴۵/۱

(۳) مولفین کتب فارسی ۵۵۶/۱

(۴) الذریعة: ۹۱/۲۵

(۵) در تهران بقطع سنگی در سال ۱۳۴۲ ق در ۲۸۸ صفحه به چاپ رسیده.

(۴۷)

سید اسدالله اشکوری

(۱۲۷۶ - ۱۳۳۳)

سید اسدالله بن عباس بن عبدالله بن حسین بن محمد جعفر بن شمس الدین حسینی اشکوری رانکوئی. از نوادگان میربزرگ آملی است. جدش از آمل به رودبار^(۱) تنکابین مهاجرت کرد و سپس به رانکوه و بعداً به اشکور منتقل گردید.

نامبرده در اشکور متولد شد، تحصیلات مقدماتی را در مدارس علمیه تنکابین تحصیل نمود. سپس به قزوین رفت و مدتی در نزد سید علی صاحب حاشیه قوانین تلمذ نمود. حدود ۱۳۰۳ به نجف اشرف مهاجرت کرد، و بدرس میرزا حبیب الله رشتی حضور یافت و تقریرات درس او را برشته تحریر در آورد و مدارج عالی را طی نمود.

پس از فوت میرزا حبیب الله مجلس درس در منزلش تشکیل داد و در حرم مطهر علوی طرف بالاسرامت مینمود عده زیادی در نماز بدو اقتداء میکردند و از کثرت ازدحام مأمومین عبور و مرور زوار مشکل میشد در ذیقعدہ الحرام وفات کرد برادرش سید حسین بجای او در حرم امامت مینمود.

دارای تالیفاتی است که همه آنها اکنون نزد فرزندش سید محمد میباشد.

۱ - مجلدات متعدد از تقریرات (اصول فقه استادش) که در سال ۱۳۰۶ مجلد اول او را بپایان رسانیده.

۲ - شش جلد در فقه از اول مکاسب تا خیار تدلیس از تقریرات استادش میرزا حبیب الله رشتی (که در اثناء همین بحث استادش وفات کرد).

(۱) رودبار تنکابین - غیر از رودبار گیلان است شامل چندین پارچه آبادی است. به فرهنگ جغرافیای ایران مراجعه گردد.

۳- جواز نقل الموتی

۴- الحبوه

۵- قاعده لا ضرر (از قواعد معروف فقهی است)

۶- رساله در الاوانی ولباس مشکوک

۷- وجوب الاجتهاد وحکم تارك الطریقین^(۱).

در کتاب معجم الرجال الفكر والادب: ۳۳ تولد نامبرده ۱۲۷۶ یاد نموده و کتابی بنام الحیوة والاغانی از تالیفات او ذکر میکند احتمالاً همان (الحبوه) و (الاوانی) باشد که در نقل اشتباه شده است.

(۴۸)

اسدالله تنکابنی

(ق ۱۳ - بعد از ۱۲۹۳)

اسدالله بن نظر علیخان تنکابنی از فضلا ودانشمندان قرن سیزدهم واحتمالاً قرن چهاردهم را درك کرده باشد.

دارای تالیفاتی است که در ضمن مجموعه‌ای در کتابخانه ملی بشماره ۲۲۰۶ ف میباشد.

۱- رساله فی النصائح والتجارب

در این رساله يك سلسله نصائح وتجارب از ائمه اطهار وبزرگان دین نقل نموده آغاز:

بسمله. از سردفتر اهل [حق] حضرت علی مرتضی صلوات الله وسلام علیه منقول است که چهار چیز آدمی را بحد کمال رساند ...

انجام:

(۱) نقیه البیشر: ۱۳۸/۱ - معجم المؤلفین: ۲۴۱/۲ - اعیان الشیعه: / - الذریعه: ۳۷۰/۴، ۲۴۵/۵ و ۲۴۲/۶

۱۰/۱۷ و ۲۹۲/۱۸ و ۲۹/۲۵ - ریحانة الادب: ۸۰/۱ - دائرة المعارف تنسیخ: ۲۰۲/۲.

.... سر را ببرهم نشین بد را بردار جود را بده داد مظلومانرا بستان

بهشت را.

۲- کلمات دینی واحادیث

اربعین حدیث است که از ائمه دین کلمات برگزیده‌ای جمع شده و صد کلمه از مولای متقیان علی علیه السلام است.

آغاز. بسمله. الحمد لله رب العالمین ... وبعد قال رسول الله صلی الله

علیه وآله ...

انجام اذا قدرت علی عدوک فاجعل العفو عنه شکر القدره علیه.

بعد از سال ۱۲۹۳ وفات کرد.

(۴۹)

ملا اسماعیل بلده‌ای

(۱۳۲۰- ق ۱۴)

ملا اسماعیل بلده‌ای در تنکابن متولد گردید تحصیلات ابتدائی و مقدمات و مقداری از سطوح را در تنکابن تحصیل نمود سپس به کربلا عزیمت کرده و مدارج عالیہ را نزد سید ابراهیم قزوینی صاحب ضوابط طی کرد. نامبرده مدتها با میرزا محمد تنکابنی مؤلف قصص العلماء هم مباحثه بوده پس از نیل بمقام اجتهاد به تنکابن بازگشت ابتداء در بلده و سپس به حسن کلاپه تنکابن منتقل گردید به تدریس و تعلیم پرداخت و در عداد علماء و مشاهیر تنکابن قرار گرفت.

اوائل قرن چهاردهم وفات کرد.

دارای فرزندی عالم بنام میرزا باقر (آتی الذکر) بوده^(۱).

(۵۰)

شیخ اسماعیل تنکابنی

(ق ۱۳ - ۱۳۵۰)

شیخ اسماعیل تنکابنی او آخر قرن سیزدهم در تنکابن متولد گردید. مقدمات را در تنکابن فراگرفت. حدود ۱۳۲۰ ق به نجف اشرف عزیمت نمود و به درس مرحوم آخوند خراسانی (متوفی ۱۳۲۹) تا سال وفاتش حضور یافت و با سید حسن اشکوری (آتی الذکر) مباحثه مینمود^(۲) سپس به درس مرحوم شیخ شعبان گیلانی (متوفی ۱۳۴۸) رفت^(۳) و در عداد علماء و مدرسین قرار گرفت بتدریس فقه و اصول پرداخت.

در سال ۱۳۵۰ ق در نجف اشرف وفات کرد.

(۵۱)

شیخ اسماعیل تنکابنی

(ق ۱۳ - حدود ۱۲۹۱)

مولی شیخ اسماعیل تنکابنی از فقهاء و دانشمندان قرن سیزدهم

(۱) تاریخ تنکابن. مخطوط

(۲) تراجم الرجال: ۲۵۷.

(۳) مقدمه کتاب قضاء شیخ شعبان گیلانی.

و تحصیلاتش در نجف اشرف در نزد علماء عصر بوده و اکثراً نزد شیخ مهدی بن علی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء تلمذ نموده.

رساله استادش شیخ مهدی کاشف الغطاء (متوفی ۱۲۸۸) را که در عبادات است به فارسی ترجمه و بنام «الثالی النجفیه» در سال ۱۲۸۳ در تبریز بچاپ رسانده^(۱).

شیخ محمد حرز الدین در معارف الرجال وفاتش را حدود ۱۲۹۱ ذکر نموده است^(۲).

(۵۲)

اسماعیل اشکوری

(۰۰۰ - بعد از ۱۲۴۷)

اسماعیل بن رفیع اشکوری از فضلا، کتاب ریاض المسائل سید علی طباطبائی را در سال ۱۲۴۷ استنساخ و مقابله نموده است. عین نسخه در کتابخانه شخصی نویسنده محقق آقای شیخ علی فاضل قائمی نجفی در قم میباشد.

(۵۳)

دکتر اسماعیل خان خلعت بری

(۱۳۵۲ - ۱۳۰۲)

(۱) الکرام البرره: ۱۳۳.

(۲) معارف الرجال: ۹۸/۳.

دکتر اسماعیل خان بن محمد رحیم مجتهد تنکابنی از اطباء حاذق و دانشمندان بوده.

در سال ۱۳۰۲ متولد گردید پس از اتمام دوره مقدمات به تحصیل طب همت گماشت و در خدمت دولت وارد گردید.

در نهم محرم ۱۳۵۲ در خرم آباد فوت و جنازه اش بقم حمل و در صحن مقدس حضرت معصومه بخاک سپرده شد.

(۵۴)

ملا اسماعیل واعظی

(۱۳۲۳ - ۱۳۵۳)

ملا اسماعیل بن محمد بن علی اکبر واعظی کشکوئی - در تنکابن متولد گردید مقدمات را نزد پدرش و در مدارس علمیه تنکابن فراگرفت حدود ۱۳۴۰ به قزوین عزیمت نموده و سطوح عالی را تحصیل نموده بعلمت ناراحتی جسمی به تنکابن مراجعت و در سال ۱۳۱۴ خورشیدی وفات و در قریه گلستان دو هزار بخاک سپرده شد.

نامبرده از ادباء و فضلا و حافظ قرآن کریم بوده.^(۱)

(۵۵)

ملا اسماعیل کشکوئی

(۰۰۰ - حدود ۱۲۴۰)

ملا اسماعیل بن ملا محمد علی کشکوئی از علماء ودانشمندان اوائل قرن سیزدهم بوده در کشکو وفات کرد.

شرح حال پدر وفرزندش ملا علی در محلش یاد گردید.^(۱)

(۵۶)

الوند سلطان

(ق ۱۰ - ق ۱۱)

الوند سلطان فرزند حسین خان فیروز جنگ خلعتبری. بین سالهای ۹۸۱ تا ۱۰۰۶ حکومت تنکابن را در دست داشته است.^(۲)

(۵۷)

میرزا باقر بلده‌ای

(۰۰۰ - ۱۳۳۰)

میرزا باقر بن اسمعیل بلده‌ای در تنکابن متولد گردید تحصیلات ابتدائی را در مدارس علمیه تنکابن تحصیل ومدارج عالییه را در اصفهان گذرانید اوائل قرن چهاردهم به تنکابن بازگشت ودر بلده اقامت نمود به تدریس مقدمات وسطوح پرداخت.

در زادگاه خود وفات نمود.

(۱) تاریخ تنکابن. مخطوط

(۲) تاریخ تنکابن. مخطوط

(۵۸)

سید باقر مؤمنی

(۱۳۹۲-۰۰۰)

سید باقر مؤمنی از نوادگان حکیم مومن مؤلف کتاب تحفه حکیم میباشد. او در تنکابن متولد گردید و تحصیلات عالی‌اش نزد مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی بوده و سپس به تنکابن مراجعت نمود و در آن سامان به ترویج احکام اشتغال داشت و در تنکابن وفات کرد (۱).

(۵۹)

ملا بهرام طالقانی

(۱۳۳۰- حدود)

ملا بهرام طالقانی از خطباء و فضلاء تنکابن بوده است. مؤلف طرائق الحقائق در جلد سوم صفحه ۶۲۶ ملاقات خود را با نامبرده در رمضان ۱۳۱۳ چنین یاد میکند:

جناب فضائل نصاب آقا ملا بهرام طالقانی که عابدی است زاهد و واعظی است ماجد، روضه خواندند و شب را بصحبت فقرا میل کردند.

(۶۰)

پرویز خلعتبری

(ق ۱۴)

پرویز خلعتبری از فضلا و نویسندگان معاصر مولف کتاب جنگ روسیه یا سقوط بناپارت میباشد.^(۱)

(۶۱)

پيله فقيه اشكوري

(ق ۱۰)

پيله فقيه اشكوري از فقهاء و دانشمندان معاصر سلطنت شاه طهماسب اول صفوی (۹۳۰ - ۹۴۶) است.

قطب الدين محمد بن شيخعلی بن عبدالوهاب بن پيله فقيه در خاتمه کتاب «محبوب القلوب» مينويسد:

جد اعلايم پيله فقيه اشكوري مردی فقيه و صالح بود، و معلوم زمان که سابقاً در بلاد گيلان مرسوم و متداول بود از قبيل نحو و صرف و تفسير و معانی و بيان معرفت داشت، و پيله بزبان اهل گيلان بمعنی «بزرگ» است، و پيله فقيه يعنی «فقيه بزرگ».

پيله فقيه در اشکور ميزيست تا اينکه بتکليف والی آن بلاد بلاهيجان منتقل گرديد.

در اين اوقات سيد جليل سيد محمد يمی باتفاق فرزندش سيد نبيل فاضل سيد علی ويگانه فرزند سيد علی سيده فاطمه از ديار خود بجهت خوف از سلطان روم به ايران آمدند و در دار السلطنه قزوین نزد شاهنشاه اعظم ... شاه طهماسب صفوی موسوی اقامت گزیدند، و سيد محمد پس از سه ماه توقف در قزوین در گذشت و چون هوای قزوین برای سيد علی

(۱) در سال ۱۳۲۵ خورشیدی کتاب مذکور در ۱۲۰ صفحه بقطع رفعی بچاپ رسید. مؤلفین کتب چاپی:

ودخترش سازگار نبود شاه رخصت داد تا بیلاذ گیلان که هوایش موافق هوای بلاد یمن بود منتقل شدند ودر اشکور در منزل جدم پيله فقيه اقامت کردند، لکن چون والی لاهیجان در همان ایام جدم را بلاهیجان خواند آنان نیز بمعیت او بدان سامان رفتند ... ووالی قطعه زمینی در محله «میدان» که محل سکونت خود و دیگر والیان بود برای آنان خریداری کرد ودر آنجا خانه‌ای ساخت وایشان را در آنجا مسکن داد...^(۱).
 شاید این اشتهار (پيله فقيه) باعث گردیده که نامش فراموش گردد.

(۶۲)

ترانه عادلذخت خلعتبری

(۱۳۵۳ - ۰۰۰)

ترانه عادلذخت خلعتبری فرزند عادل خلعتبری - متولد ۱۳۱۴
 خورشیدی نام مادرش فخر عادل.
 نامبرده تحصیلات خود را در دبیرستان امریکائی (ایران بیت ئیل)
 پایان رسانیده ودر ترجمه ونگارش بکار اشتغال دارد دارای اشعاری
 است از جمله:

مادر

مادر ای رخسار محزونت گل خندان من
 اختر شبهای تار ماتم وحرمان من
 در سکوت وادی گمنام مرگ وزندگی
 نام زیبایت بود سر لوحه عنوان من

(۱) فهرست کتب خطی کتابخانه‌های اصفهان: ۳۴۸/۱.

هیچ دانی چیست آغوش تو ای صبح امید
 اشیائی بهر روح بی سرو سامان من
 هستی من زاده اندوه بی پایان توست
 پس ترا باشد سزا تکریم بی پایان من
 شامگاهان اشکها افشانده ای تا صبحدم
 بر سر بسالین من بادیده گریان من
 آنشبانی کز عقب میرفت سوی نیستی
 کشتی امید من در اشک برد توفان من
 آن شبانی کز فراز شاخهای دور دست
 همنوا میگشت مرغی بادل نالان من^(۱)

(۶۳)

الثائر بالله

(۳۴۵-۰۰۰)

الثائر بالله ابوالفضل جعفر معروف به سید ابیض فرزند محمد الشاعر المحدث بن ابی عبدالله حسین الشاعر المحدث بن ابی الحسن علی العسکری بن ابی محمد حسین بن عمر الاشراف بن علی بن الحسین الامام السجاد علیه السلام. برادر زاده ناصر اطروش ملقب به ثائر بالله و معروف به سید ابیض است. در طبرستان قیام نمود. بین ملک الجبال شهریار و استندار ابوالفضل بن محمد بن شهریار مخالفتی رخ داد. اصفهد بر طبرستان مستولی بود و چون الثائر بالله بطبرستان آمد استندار تا چالوش با استقبال او رفت و او را در چالوس بحکومت

برگزید. مردم آن سامان گرد سید جمع گردیده. چون خبر به حسن بن بویه رسید لشکری گران به آمل فرستاد علی بن کامه که از جانب اصفهد حاکم آمل بود در جنگ متواری گشت و لشکریان نائز بالله بر لشکر حسن بن بویه پیروز گردید و به آمل وارد شدند و سید نائز بالله به سرای سادات که در مصلی ساخته بودند رفت و پس از چندی در ولایت سیاه کله رود گیلان بقریه (میانده) سکونت اختیار کرد. و بنام خود سکه زد و آثار و عماراتی از قبیل مدارس و مساجد و خانقاه بنا نمود. آرامگاه او در همان آبادی است، او مردی نیکوکار و متمنی بوده^(۱).

میر ظهیر الدین مرعشی در تاریخ طبرستان و رویان و مازنداران / ۱۵۵ مینویسد:

مؤلف حقیر که در ایام دولت سلطان محمد صاحب گیل داروغه آن ولایت بودم روضه مبارک آن بزرگوار را عمارت کردم و کاتب و متولی بر آن گماردم.

منتجب الدین در الفهرست: ۴۵ مینویسد:

در ابتدای زیدی بوده و مدعی امامت زیدیه گردیده و در گیلان قیام نمود، سپس شیعه امامی گردید و احادیثی از او نقل شده و مدعی زیارت امام زمان علیه السلام شده و قضایایی از او نقل میکنند.

خوند میر در حبیب السیر: ۲/ ۴۱۶ مینویسد:

در آن ایام النائز بالله ابوالفضل جعفر بن محمد ... که ملقب بود بسید ابیض در گیلان خروج کرد و بعضی از حدود آن ولایت را بحیطه ضبط در آورد و مقارن آن حال میان ابوالفضل محمد بن شهریار و اسپهبد شهریار بن داراکه حاکم جبال مازنداران بود صورت منازعت روی نمود ... و سید نائز مظفر و منصور بآمل در آمده ابوالفضل محمد بحر مه زر که در بلاء آمل است منزل گزید و بعد از روزی چند میان النائز بالله و ابوالفضل محمد نیز غبار نثار ارتفاع یافته سید بجانب گیلان بازگشت و در ولایت شاه کلمه رود

(۱) سادات متقدمه گیلان / ۵۰۹ علویان طبرستان / ۱۰۸ تاریخ و جغرافیای رامسر مخطوط.

بقریه میان ده ساکن شده بقاع خیر طرح انداخت و بوقت حلول اجل طبیعی داعی حق را لیک اجابت گفته بجنات عدن منزل ساخت.

عباسقلی سپهر در ناسخ التواریخ در جلد دوم حالات امام سجاد / ۶۲۸

مینویسد:

واما ابو عبدالله حسین شاعر محدث پسر ابوالفضل عسکری بن علی الاصغر بن عمر اشرف از فرزندان ابوالفضل جعفر بن محمد الثائر بن ابی عبدالله حسین مذکور است، وفات جعفر بن محمد الثائر در سال سیصد و چهل و پنجم روی نمود.

(۶۴)

جعفر قلی خان خلعتبری

(ق ۱۴)

جعفر قلی خان فرزند امیر اسعد خلعتبری فرزند محمد ولیخان سپه سالار

تنکابنی.

در کتاب خاندان خلعتبری مینویسد: / ۳۰

جعفر قلی خان جوانی لایق و شایسته بود و حکومت محال ثلاث

تنکابن را داشت و امورات حکمرانی را بوجه احسن انجام میداد.

در زمان سلطنت احمد شاه سالار الدوله قاجار با سواران جنگجواز صحرای تراکمه (استرآباد) بسمت گیلان حرکت کرد و خیال سلطنت را در دماغ خود می پرورانید خواست تا از تنکابن بسمت گیلان حرکت کند و از آنجا به کرمانشاه رفته قوایی تهیه ویر علیه حکومت مرکزی قیام نماید بر حسب دستور دولت مرکزی از سپه سالار اعظم خواسته شد که بحکومت تنکابن دستور دهد جلوی سواران سالار الدوله را بگیرند سپه سالار اعظم

هم به جعفر قلی خان تلگراف کرد که راه را بر سواران سالار الدوله بسته و از حرکت آنان جلوگیری بعمل آورند.

در ولی آباد شهسوار جنگی سخت بین سواران سالار الدوله و عده جعفر قلیخان در گرفت در این جنگ جعفر قلیخان و معاونش بقتل میرسند.

(۶۵)

شیخ جعفر تنکابنی

(ق ۱۲ - بعد از ۱۲۱۳)

شیخ جعفر تنکابنی. از دانشمندان قرن سیزدهم هجری بوده. از سال ۱۲۰۳ ق تا ۱۲۱۳ ق از ندمای خاص آغا محمدخان قاجار گردید شبها و اوقات فراغ برای او متون کتب فلسفی و غیره را میخواند. و در فلسفه ابن رشد وارد و مسلط بوده

شب آخر عمر آغا محمدخان هم نامبرده برایش کتاب خواند. چندین بار از پادشاه تقاضای حکومت و یا قضاوت نمود اما بعللی آغا محمد خان امتناع مینمود.

در کتاب خواجه تاجدار چندین جا از او نام برده شده. نقل شد روزی به آغا محمد خان قاجار گفت: من وردی بتو میآموزم که تو در جنگها پیروز خواهی شد. آغا محمد خان در جواب گفت: من مرد شمشیرم نه مرد ورد!

(۶۶)

شیخ جعفر تنکابنی

(حدود ۱۳۰۰ - بعد از ۱۳۳۵)

شیخ جعفر تنکابنی در تنکابن متولد گردید مقدمات را در مدارس علمیه تنکابن فراگرفت و به تهران مهاجرت نمود و مدارج عالیّه را تحصیل و به تدریس مشغول گردید در آغاز مشروطیت به جرگه آزادی خواهان پیوست و چند بار دستگیر و زندانی گردید. پس از استقرار کامل مشروطیت نامبرده حالت انزوا و انفعال پیدا نمود بعد از ۱۳۳۵ وفات کرد.

(۶۷)

شیخ جعفر شریعتمدار خلعتبری

(۱۲۹۵ - ۱۳۷۰)

شیخ جعفر شریعتمدار خلعتبری بن محمدرحیم بن قاسم بیك تنکابنی مادرش رقیه خانم دختر میرزا محمد تنکابنی صاحب قصص العلماء است، نامبرده از دانشمندان تنکابن بوده، در شهر لرزین متولد گردید مقدمات و قسمتی از سطوح را در زادگاه خود فراگرفت به تهران رفت و در تهران تحصیل و سکونت اختیار نمود.

او از افراد فعال و خدمت گذار و در خدمت به همشهریهای خود دریغ نداشت.

در تهران درگذشت و در امام زاده عبدالله شهرری بخاک سپرده شد.

(۶۸)

شیخ جعفر مشایخی

(۱۲۹۸ - ۱۳۶۴)

شیخ جعفر بن فضل الله بن صدر الدین مشایخی در تنکابن متولد گردید. مقدمات و قسمتی از سطوح را در مدرسه علمیه والدش فراگرفت سپس به قزوین عزیمت نمود سطوح را در قزوین و مدارج عالیہ را در تهران و قم تحصیل کرد.

حدود ۱۳۳۰ به موطن بازگشت به تدریس و تعلیم در مدرسه علمیه مشغول گردید در سال ۱۳۶۴ ق درگذشت و در زادگاهش مزر دشت بخاک سپرده شد.^(۱)

(۶۹)

شیخ جعفر اشکوری لاهیجی

(ق ۱۱ - ق ۱۲)

شیخ جعفر بن قطب الدین محمد بن شیخ علی بن عبدالوهاب بن پیلہ فقیه اشکوری لاهیجی. از دانشمندان اواخر قرن یازدهم و دوازدهم بوده و در لاهیجان سکونت داشته.

کتاب محبوب القلوب تالیف پدرش (قطب الدین محمد اشکوری) را در روز غدیر ۱۰۹۵ با تمام رسانیده است.^(۲)

نامبرده قرن دوازدهم را درك کرده و در عداد علماء عصرش محسوب میگردد.

شرح حال پدر و اجدادش در محالش یاد گردید.

(۱) تاریخ تنکابن. مخطوط

(۲) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های اسنهان: ۳۵۱/۱

(۷۰)

سید جعفر اشکوری

(۰۰۰ - حدود ۱۳۱۵)

سید جعفر بن سید معصوم حسینی اشکوری، از شاگردان میرزا مرحوم میرزا حبیب الله گیلانی و از علماء و فقهاء میباشد. دارای تالیفاتی در اصول و فقه از تقریرات استادش بوده، در سال ۱۲۹۹ نامه علی شاه بن آغا خان محلاتی (رئیس فرقه اسماعیلیان) که برای بعضی از مریدهای خود ارسال داشته، ترجمه و در سال ۱۳۰۰ آنرا بچاپ رسانید. در آن نامه عقاید فاسد مذهب اسماعیلی را آشکار کرد. حدود ۱۳۱۵ در نجف اشرف درگذشت. برادرش سید ابوالقاسم و سید مرتضی از علماء و دانشمندان بودند^(۱).

(۷۱)

جلال الدین خلعتبری (عدل)

(۰۰۰ - ۱۳۳۴)

جلال الدین خلعتبری مشهور به عدل فرزند میرزا جعفر شریعتمدار در تهران متولد گردید. و تحصیلاتش را در تهران نموده وارد خدمت شد در سال ۱۳۲۴ خ در قیام افسران شرکت جست و سپس به قیام (حزب پوشالی منحل شده) در آذربایجان پیوست و با عده‌ای از هم‌زمان خود به اتحاد جماهیر شوروی (سابق) پناهنده گشت و از سال ۱۳۳۶ خ در چین اقامت نمود. و پس از پیروزی انقلاب

(۱) نقیباء البشر: ۳۰۳/۱ - معجم المؤلفین: ۱۵۱/۳ - اعیان الشیعه: ۱۸۷/۴، معجم رجال الفکر والادب: ۳۳.

اسلامی به موطن بازگشت.

نامبرده دارای دکترای فلسفه از شوروی و سالها در دانشگاه تاشکند شوروی بسمت دانشیار ادبیات فارسی تدریس مینمود^(۱)

(۷۲)

شیخ جلال اشکوری لاهیجی

(ق ۱۱)

شیخ جلال بن شیخ علی بن عبدالوهاب بن پيله فقيه اشکوری لاهیجی از علماء و شیخ الاسلام لاهیجان بعد از فوت پدرش گردید. نامبرده در نیمه اول قرن یازدهم در لاهیجان میزیسته. برادرش قطب الدین محمد بن شیخ علی اشکوری لاهیجی در خاتمه محبوب القلوب مینویسد:

مرحوم شیخ جلال که فرزند بزرگتر پدرم و مردی خوش محاوره و دارای طبعی وقاد و سلیقتی نقاد و بسیار پارسا و پرهیزگار [بعد از فوت پدرم] زمامدار امور وی گردید لکن دیری نیاید که پس از سه سال از فوت پدر در عنفوان شباب وفات یافت و او سه سال از من بزرگتر بود^(۲).

(۷۳)

جمشید خان تنکابنی (ملقب به سردار کبیر)

(۰۰۰ - بعد از ۱۳۵۴)

(۱) نسبتنامه دودمان علامه تنکابنی / ۱۶۴.

(۲) فهرست کتب خطی کتابخانهای اصفهان: ۳۴۹/۱.

جمشید خان بن سرتیب حبیب الله خان بن ولیخان تنکابنی، از رجال سیاسی و صاحب منصبان اواخر عصر قاجاریه و اوائل حکومت پهلوی بوده. علامه لاهیجی مینویسد:

مترجم ما نجابت و اصالت و بزرگی و شجاعت و بسالت و کاردانی و دانشمندی را از آباء و اجداد خود ارث برده و از رجال نامی ایران و مردی متین و موزون بوده و تا سال ۱۳۵۴ ق در قید حیات بوده^(۱).
ابتداء به ساعد الدوله و سپس به سردار کبیر ملقب گردید و نیز مدتی حاکم سرخس بوده و در زمان وزارت برادرش محمد ولیخان تنکابنی سپه سالار و وزیر جنگ گردید.

(۷۴)

شیخ جواد لاهوتی اشکوری

(۰۰۰ - حدود ۱۳۶۵)

شیخ جواد اشکوری لاهوتی در مدارس علمیه رامسر مقدمات را فرا گرفت سپس به طهران عزیمت نمود و مدارج علمیه را تحصیل کرد به موطن بازگشت نامبرده از مقدسین و او تاد عصر بود حدود ۱۳۶۵ ق وفات کرد.

(۷۵)

جواد نوشین

(ق ۱۴)

جواد نوشین از فضلا و نویسندگان معاصر، اوضاع تاریخی - سیاسی - اقتصادی و جغرافیای شهرستان چالوس را بسال ۱۳۵۲ خورشیدی تالیف و بسال ۱۳۵۴ بچاپ رسانید، و بیش از این از خصوصیات او اطلاعی حاصل نگردید.

(۷۶)

فقیه حامد اشکوری

(ق ۹)

فقیه حامد اشکوری از بزرگان قرن نهم و در قریه (لسپو) که از قرای اشکور است سکونت داشته.

علامه لاهیجی مینویسد:

فقیه حامد اشکوری در سال ۸۱۲ هـ در اشکور بوده (۱)...

صفت فقیه عنوان خاصی بوده که برای علماء بزرگ بکار میرفته، همانطوریکه امروزه علماء را با القاب و عناوین (حجة الاسلام والمسلمین و آیت الله و علامه و...) برای تعریف مقامی علمی علماء بکار میبرند در قرون گذشته در این سامان عناوین از قبیل (فقیه و مجتهد و مدرس و...) غیره بکار میبردند و بالاترین عنوانی را که برای يك مجتهد بکار میبردند کلمه (فقیه) بوده است.

(۷۷)

حبیب الله تنکابنی

(۰۰۰ - ۰۰۰)

حبيب الله تنکابنی از فضلا و دانشمندان بوده دارای جنگی است که در الذریعه: ۱۶۶/۵ از او یاد شده.

(۷۸)

دکتر حبيب الله مشایخی

(۱۳۶۵ - ۰۰۰۰)

دکتر حبيب الله بن حاج میرزا علی بن میرزا محمد مشایخی در سال ۱۳۲۵ خورشیدی در سنگرمال تنکابن متولد گردید .

مدرسه ابتدائی را در سنگرمال و متوسطه را در خرم آباد و دبیرستان را در شهبوار طی و در سال ۱۳۴۵ خورشیدی موفق باخذ دیپلم گردید در سال ۱۳۴۷ خ وارد دانشکده تربیت معلم تهران گردید در سال ۱۳۵۱ در رشته جغرافیای باخذ لیسانس نائل گردید. و به تدریس مشغول شد در سال ۱۳۵۴ بآمریکا رفت و پس از اخذ دکترا بایران بازگشت. اکنون نامبرده بشغل شریف تدریس اشتغال دارد.

نگارنده در سال ۱۳۶۶ خ او را ملاقات نموده و از تحقیقات علمی او در تقسیمات آبهای دهستان تنکابن و کتاب جغرافیای تنکابن مطلع گردیدم.

(۷۹)

حبيب الله خان ساعد الدوله

(۱۳۲۶ - ۰۰۰۰)

حبيب الله خان ساعد الدوله فرزند وليخان سرتيب تنکابنی خلعتبری.
 پس از کشته شدن پدرش وليخان از طرف محمد شاه قاجار در سال ۱۲۵۴
 مقام فرماندهی نظامی بدو محول گردید، علاوه بر مناصب ارتشی حکومت
 محال ثلاثه تنکابن و کجور و کلارستان به وی واگذار شد. در سال ۱۲۸۶ از طرف
 ناصر الدین شاه قاجار به ساعد الدوله ملقب گردید و در سال ۱۲۹۸ بحکومت
 گرگان (استرآباد) منصوب گردید و تا سال ۱۳۰۳ در آن سامان حاکم بود. در سال
 ۱۳۱۰ حاکم اراک گردید.

در سال ۱۳۲۶ ق درگذشت و جسدش به مشهد مقدس حمل و در حرم
 حضرت رضا علیه السلام بخاک سپرده شد^(۱).
 در کتاب فرهنگ رجال قاجاریه / ۸۶ مینویسد:

در او ان جوانی وارد نظام شد و به علت خدمات پدرش از طرف
 محمد شاه به حکومت کجور کلارستان و تنکابن منصوب شد وی در سال
 ۱۸۶۹ م ملقب به (ساعد الدوله) گردید و از سال ۱۸۸۱ م حاکم استرآباد
 بود. حبيب الله خان ساعد الدوله از سال ۱۸۹۲ م تا زمان مرگش در ماه مه
 ۱۹۰۷ م حاکم عراق (عراق عجم اراک و نواحی آن است) بود.
 او پدر محمد وليخان سپه سالار (آتی الذکر) است.

(۸۰)

حسن تنکابنی

(ق ۱۳ - ۱۳۱۲)

(۱) شرح حال رجال ایران: ۲۰۳/۱ - رجال دو هزار ساله گیلان: ۳۳۷ - ناسخ النواریخ قاجاریه: ۲۷۴/۲
 منتظم ناصری.

حسن بن ابی الحسن تنکابنی، از اطباء و فضلاء قرن سیزدهم و اوائل قرن چهاردهم و دارای تالیفاتی است: از جمله کتابی نسبتاً مفصل در علم امراض^(۱) میباشد.

او سالها در تهران و دیگر شهرستانهای ایران بعنوان طبیب رسمی به طبابت اشتغال داشته چنانچه در پشت کتاب فوق الذکر چنین مینویسد:

در تاریخ ۲۸ محرم ۱۲۹۳ در بندر دیلم و در ۱۲ رمضان ۱۲۹۸ در

بروجرد و در دوم ذیقعدہ ۱۳۱۲ در کردستان بودم.

وفاتش بعد از تاریخ مذکور میباشد.

(۸۱)

سید حسن اشکوری

(۱۳۰۲ - ۱۳۷۵)

سید حسن بن سید ابوالقاسم اشکوری، از سادات حسینی میراست. در نجف اشرف متولد گردید، مقدمات را در زادگاه خود فراگرفت و سپس نزد بزرگان به تحصیل پرداخت و عمدتاً فقه و اصول را نزد آخوند خراسانی صاحب کفایه تلمذ نمود.

در سالهای ۱۳۲۵ پس از فوت پدرش بزیارت مشهد مشرف گردید و دو سال در ایران مقیم به اقامه جماعت مشغول گردید.

(۱) نسخه بخط مولف در کتابخانه دانشگاه تهران بشماره ۱۵۱۹ میباشد کتاب مذکور فارسی و در ۸۵۴

صفحه میباشد.

آغاز بسمله. حمدله. اما بعد بدانکه علم بطبایع امراض علمی است که شناخته میشود از او اعمال بدن

انسان در حالت مرض ...

انجام ... رنج و ایذاهای مریض از بخار.

در سال ۱۳۲۷ مجدداً به نجف اشرف بازگشت، و مدت چهار سال به ادامه تحصیل مشغول و مدارج عالییه را طی نمود.

در سال ۱۳۳۱ در تهران سکونت نمود بتدریس مشغول گردید.

مقارن قیام میرزا کوچک خان به گیلان مهاجرت نمود و در رشت مقیم شد و از نهضت جنگلیان حمایت تام نموده و (مجمع علماء و روحانیون) را در گیلان پایه گذاری کرد.

در نهضت ملی شدن نفت به حمایت از آن پرداخت و اعلامیه و فتوایی صادر نموده سرانجام در سوم ربیع الثانی در رشت وفات و جنازه اش به قم حمل و در قبرستان نو بخاک سپرده شد.

از آثار او:

دیوان شعر فارسی بنام اذرکده حسینی حاوی مدائح و مرثیاتی حضرت رسول اکرم و اهل بیت گرامش که بچاپ رسیده، در آخر اذرکده قصیده ای بعربی از نظم او در رثاء میباشد

تقریرات آخوند خراسانی.

حاشیه بر کفایه الاصول.

یکدوره نظم اصول که بعربی است^(۱).

(۸۲)

حسن اشکوری

(۰۰۰ — ۰۰۰)

رافعی در التدوین مینویسد:

سمع بقزوین ابا عمر عبدالواحد بن مهدی^(۱).
یعنی: در قزوین ابا عمر عبدالواحد بن مهدی از او [حدیث] شنید.

(۸۳)

سید حسن اشکوری

(۱۳۴۷-۰۰۰)

سید حسن اشکوری نجفی از فضلا ودانشمندان نجف اشرف بوده ودر نزد اساتید بزرگ نجف اشرف بالاخص علمین جلیلین کاظمین صاحب کفایه وغروه تحصیل نموده ومدارج عالیہ راگذرانیده به تدریس مشغول شد.
در سال ۱۳۴۷ در نجف اشرف وفات کرد.

(۸۴)

شیخ حسن تنکابنی

(ق ۱۳)

شیخ حسن تنکابنی از فضلا وادباء وشعراء بوده.
مؤلف تراجم الرجال مینویسد:

رأيت له صحيفه ادبيه تدل على فضله في الشعر والادب الفارسي، في
مجموعه ميرزا ابى الحسن الجيلانى الرودىبارى كتبها فى المدرسه الفخرية
بپهران سنه ۱۲۸۷.

یعنی: قطعه ای از مطالب ادبی در شعر ونثر فارسی در مجموعه میرزا

(۱) التدوین فی تاریخ قزوین: ۲/۴۳۹.

ابی الحسن گیلانی رودباری که در مدرسه فخریه تهران بسال ۱۲۸۷ نوشته بود مشاهده نمودم (قطعه مزبور) دلالت بر فضل و دانش او در شعر و ادبیات فارسی مییابد.

(۸۵)

میرزا حسن اشکوری

(۱۳۲۲ - ۱۳۶۴)

میرزا حسن بن ملا علی بن احمد اشکوری، از علماء معروف و محترم شهرستان شهسوار (تنکابن) و امام جماعت مسجد جامع شهر بوده. در تنکابن متولد گردید پس از فراگرفتن مقدمات و سطوح به قم مهاجرت نموده و به درس حاج شیخ عبدالکریم حائری حضور یافت و مراحل عالییه را تحصیل کرده به موطن بازگشت، به ترویج و رسیدگی به امورات شرعی اهالی پرداخت.

دهم شعبان ۱۳۶۴ وفات کرد و در کبودکلايه خرم آباد بخاک سپرده شد. فرزندش آقای محسن شریعتی از خطباء و معاریف تنکابن مییابد.

عالم جلیل سید مسیح بن علی حسینی تنکابنی ابیات ذیل را بمناسبت تولد میرزا حسن سروده است:

آن فقیهی که سمی شه دین بوالحسن است

معدن فضل و کرم اشکور او را وطن است

از عنایات الهی شده وی را خلفی

یا ورش باد خدا نام گرامش حسن است

در هزار و سیصد بیست دو آمد بوجود

کامران عمر کند زایل حزن محن است^(۱)

(۸۶)

سید حسن اشکوری

(حدود ۱۲۹۵ - ۱۳۶۷)

سید حسن بن علی بن معصوم حسینی اشکوری در کنار مش اشکور متولد گردید، مقدمات را در مدراس علمیه تنکابن و گیلان فرا گرفت.

در سال ۱۳۱۸ به نجف اشرف مهاجرت نموده و بدرس آخوند خراسانی تاهنگام فوتش (۱۳۲۹) حضور یافت بحثهای استادش را باشیخ اسماعیل تنکابنی مذکور مباحثه میکرد. پس از فوت آخوند بدرس شیخ شعبان گیلانی رفت تا آنکه بدرجه عالی کمال نائل شد.

در نجف اشرف وفات کرد و در صحن مقدس علوی بخاک سپرده شد.

وی شخصی زاهد و متقی و پرهیزگار و قانع بود^(۲).

شرح حال فرزندش سید علی در مجلس ذکر گردیده است.

(۸۷)

مولی حسن تنکابنی (لبنانی)

(۱۰۹۴ - ۰۰۰)

(۱) تاریخ تنکابن. مخطوط

(۲) تراجم الرجال: ۲۵۷.

مولی حسن بن مولی علی بن مولی فقیه حسن تنکابنی شهیر به گیلانی و دیلمانی از حکماء صوفی مشرب و از معاصرین مرحوم مجلسی و مولی محمد تنکابنی سراب بوده.

میرزا عبدالله افندی در ریاض العلماء ۱۸۴/۱ مینویسد:

وی حکیمی صوفی در علوم عقلی ماهر و استاد بوده، در «جامع الکبیر العباسی» (مسجد بزرگ شاه عباس) اصفهان تدریس مینمود، و از علوم دینی بهره و نصیبی نداشت دوستدار حکماء و صوفیه بوده، و گفتار آنها را توجیه و تعریف میکرده و در مقام دفاع بر میآمد، نامبرده از معاصرین مابوده و اواخر عمر مبتلا به اختلال حواس گردید و در زمان ما فوت نمود.

در تتمیم امل الامل: ۱۰۵ مینویسد:

از فضلا مشهور و علماء معروف، صوفی بوده، در خیابانی راه میرفت و عده ای از کودکان مشغول بازی بودند، یکی از آنها کلمه «ربک» گفت مترجم با شنیدن این کلمه ذهنش را به معنی حقیقی منصرف نمود و در حالت وجد رفت و بیهوش شد.

مؤلف روضات الجنات در ۳۵۸/۲ مینویسد:

او جد مادری جدش (یعنی مولف روضات الجنات) بوده و در گیلان متولد گردید و به اصفهان با فرزندش (محمد حسین) منتقل گردید ... سپس عبارات ریاض العلماء نقل مینماید.

در تاریخ حکماء و عرفا متأخرین صدر المتألهین: ۴۸ مینویسد:

ملاحسن لبنانی متوفای ۱۶ صفر ۱۰۹۴ از پی وقوع اختلالی در دماغ حکیم صوفی و ماهر در علوم حکمیه مدرس به جامع کبیر عباسی به اصفهان که تصوف را با حکمت مربوط ساخته ... هیچ گاه بی جذبه شور و شوقی نبوده، و پیوسته باب تعشق حقیقی به روی خاطر گشوده، و هذا

الیوم به مطالعه کتب حکمی اشتغال دارد، بعضی از طالبان دلائل در حکمت در خدمت آن معلّم ثانی تحصیل معانی می نمایند طبع آن جناب به قرائت کلام مولانا بسیار مایل است ایشان را در هر بیت مولوی تحقیقات روی داده هذا الیوم در این فن که شمه‌ای از کمالات اوست متفرد است و چون نخواسته‌اند که مشکلات ابیات مولانا قدس سره مبهم بماند مدّت اوقات کثیر البرکات را شرح مبسوط بر مثنوی حضرت مولوی نوشته‌اند به عبارت تازه واستعارات زیاد از اندازه دیگر قریب به هفت هزار بیت در تصوف ... وهمچنین حواشی شفاء، آیات بر اشارات ...

این بزرگوار را پسری بوده است نیز حکیم مولی حسین نام او متوفای ۲۶ رمضان ۱۱۲۹ خال جَدّ جَدّ صاحب روضات است. شرح حال مولی محمد حسین در صفحه ۲۲۲ بشماره (۲۶۶) بیان گردید.

(۸۸)

مولی حسن فقیه تنکابنی

(ق ۱۰ - ق ۱۱)

مولی حسن فقیه تنکابن از دانشمندان معاصر شیخ بهائی وشاه عباس اول صفوی است وفاتش اوائل قرن یازدهم میباشد.

نامبرده جد مولی حسن بن مولی علی مذکور است.

یکی از خانوادهای قدیم واصیل تنکابن که تاکنون در نواحی تنکابن منتشرند خانوادهای (بنی فقیه) یا (فقیه تنکابنی) ویا (فقیه کجوری) میباشد وباحتمال قوی این خانوادها از اعقاب مولی حسن فقیه تنکابنی است. ودر میان آنها عده زیادی دانشمند وعالم بودند که شرح حال برخی را بدست آورده در این کتاب درج نمودم.

آخرین فرد فاضل و عالم این خانواده که نگارنده مطلع شدم شیخ طاهر تنکابنی آتی الذکر در صفحه ۱۲۹ بشماره (۱۳۵) و فرزندش ابوالفضل مذکور در صفحه ۳۴ بشماره (۱۸) است.

(۸۹)

آقا حسن مرشد

(۱۲۶۰ - ۱۳۱۶)

آقا حسن بن محسن بن عبدالکریم بن محمد بن محسن مرشد تنکابنی، در تنکابن متولد گردید تحصیلات اولیه خود را در مدارس علمیه سلیمان آباد تنکابن آغاز و سپس به طهران عزیمت نموده و مدارج عالی را کسب و به اجتهاد نائل گردید.

سید اسماعیل حسینی مولف نضره الناظرین در کتابش او را از علماء معاصر خود ذکر نموده است.

او از مدرسین بنام تنکابن بوده مدتها در مدارس علمیه گلستان و سلیمان آباد بتدریس اشتغال داشته.

میرزا موسی (حکیم باشی) مجتهد زاده تنکابنی ابیات زیر را در ماده تاریخ فوت او سروده

- | | |
|-------------------------------|--|
| ۱ - عالمی فاضلی به فضل و هنر | بحر موج یا که طوفان است |
| ۲ - پدرش محسن است نام حسن | هم فرید و وحید دوران است |
| ۳ - رزوگارش گرفت پس انجام | که به فرمان حکم دیان است |
| ۴ - عمرش آخر برفت بسال (غشیو) | به مکان و مکین برضوان است |
| ۵ - غرق شد او برحمت ابدی | در پناه رسول یزدان است. ^(۱) |

(۱) نسبتنامه دودمان علامه تنکابنی: ۲۱۴ - نضره الناظرین خطی.

(۹۰)

سید حسن تنکابنی

(ق ۱۴)

سید حسن بن محمد تقی تنکابنی، از فضلا و دانشمندان ساکن تهران بوده. علامه تهرانی مینویسد:

نامبرده از فضلا و محصلین و در مدرسه مروی حدود ۱۳۱۳ بتحصیل

اشتغال داشته^(۱).

احتمالاً نامبرده از تیره سادات حسینی رامسر باشد.

(۹۱)

میرزا حسن شیروان محله‌ای (فاضل)

(ق ۱۴)

میرزا حسن بن میرزا مسیح شیروان محله‌ای معروف به فاضل از فضلا و مدرسین بوده از تحصیلات او اطلاعی بدست نیامد و فاتش او اسط حکومت رضا خان پهلوی است.

(۹۲)

حسن مشحون

(۱۳۲۴ - ۰۰۰)

(۱) نقیاء البشر: ۲۳۹ - در ذیل ترجمه پدرش از وی یاد کرده و در ایامی که علامه تهرانی در مدرسه مذکور قبل از مهاجرتش در ۱۳۱۵ به نجف اشرف تحصیل میکرد مترجم بوده.

حسن مشحون فرزند آیت الله نوری در خاندان علم و معرفت در تهران متولد گردید تحصیلات ابتدائی را در مدارس انتصابیه و سپس وارد دار المعلمین مرکزی و دار الفنون گردیده و در رشته تاریخ و جغرافیا و علوم تربیتی فارغ التحصیل گردید از سال ۱۳۱۴ خورشیدی بمدت یکسال در دانشسرای عالی تدریس مینمود و در سال ۱۳۱۶ به شیراز منتقل گردید شعبه ادبی را تأسیس نمود و سپس به مشهد منتقل گردید بتدریس و تأسیس پایه ادبی همت گماشت، مدتی مسئولیت مدرسه البرز تهران را عهده دار گردیده و به همدان بعنوان مدیر دبیرستان ابن سینا منتقل گردید و نگاه به تهران مراجعت نمود و در دار الفنون و دبیرستان تمدن مشغول شد.

در سال ۱۳۳۲ خورشیدی به ریاست فرهنگ استان مازندران منصوب گردید و برای بازدید موسسات فرهنگی به امریکای شمالی مسافرت نمود. حسن مشحون از فضلا و دانشمندان و نویسندگان و تالیفات او بشرح زیر میباشند:

- ۱- تاریخ سه سال اول دبیرستان بسال ۱۳۳۰ خ بچاپ رسیده.
- ۲- تاریخ ایران و عرب تا دوره غزنویان در تهران در ۱۱۲ صفحه در سال ۱۳۲۴ خ بچاپ رسیده.
- ۳- جغرافیای اوضاع اقتصادی ایران و اروپا و آمریکا برای دوم دبیرستان در سال ۱۳۲۴ خ در ۱۱۰ صفحه بچاپ رسیده.
- ۴- جغرافیای سه سال اول متوسطه در سال ۱۳۳۰ خ در تهران بچاپ رسیده.
- ۵- جغرافیای سیاسی ایران و آسیا و آفریقا برای سال دوم دبیرستان در سال ۱۳۲۴ در ۱۱۰ صفحه در تهران بچاپ رسیده.
- ۶- جغرافیای طبیعی ایران برای سال اول دبیرستان در سال ۱۳۲۴ خ در ۹۵ صفحه بچاپ رسیده است.

- شش کتاب مزبور با مشارکت علی اکبر جلالی فر و رضا خزائلی بوده است.
- ۷- شرح حال و نمونه آثار شیخ محمود شبستری در سال ۱۳۱۵ در ۵۳ صفحه در شیراز بچاپ رسیده است.
- ۸- شرح حال کمال الدین اسماعیل اصفهانی
- ۹- شرح حال ابن سینا
- ۱۰- آب یاری ایران
- ۱۱- تاریخ روابط ایران با خارج.
- نسخ خطی کتب مزبور در دانشسرای عالی موجود است^(۱)

(۹۳)

شیخ حسین تنکابنی

(۰۰۰- ق ۱۱)

حسین بن ابراهیم تنکابنی از بزرگان فلاسفه و عرفاء قرن یازدهم، و از اعظام شاگردان صدر المتألهین شیرازی^(۱) محسوب می‌گردد.

نامبرده و ملا عبدالرزاق لاهیجی فیاض^(۲) و ملا محسن کاشانی فیض^(۳)

(۱) سالنامه فرهنگ شهرستان نوشهر: ۱۱۰ - مولفین کتب چاپی ۶۳۵/۲ در مولفین کتب چاپی تاریخ تولد ۱۲۸۵ خ نهران (۱۳۲۴ ق) و در سالنامه فرهنگ سال تولد ۱۲۸۸ خورشیدی در تنکابن ذکر گردیده است.

(۲) محمد بن ابراهیم بن یحیی شیرازی ملقب بصدر الدین و صدر المتألهین معروف به ملا صدرا از اکابر فلاسفه و حکمای اسلامی قرن یازدهم هجری است وی نزد شیخ بهائی و میرداماد و میرفندرسکی تحصیل و دارای تألیفات زیادی در عرفان و فلسفه و تفسیر میباشد در سال ۱۰۵۰ در سفر حج در بصره درگذشت.

(۳) ملا عبدالرزاق لاهیجی فیاض در لاهیجان متولد گردید و عمده تحصیلاتش در اصفهان بوده وی شاگرد و داماد ملا صدرا میباشد. دارای تألیفاتی است از جمله سرمایه ایران و شرح هیاکل و گوهر مراد و مشارق الیهام و شرح تجرید الکلام خواجه نصیر الدین طوسی و غیره در سال ۱۰۵۱ وفات کرد.

(۴) ملا محمد محسن فیض کاشانی از اعظام علماء امامیه و فلاسفه است او هم نیز داماد ملا صدرا بوده

همدرس و مورد عنایت خاص استادشان صدر المتألهین بودند.

در تاریخ حکماء و عرفاء متاخرین صدر المتألهین: ۲۷ مینویسد:

نوری از تلامذه بیدآبادی، (آقا محمد) و بیدآبادی شاگرد ملا اسماعیل خاجوئی، و خاجوئی شاگرد ملا محمد اردستانی و او شاگرد ملا رجبعلی تبریزی و محقق لاهیجی و شیخ حسین تنکابنی و یا فیض میاشد ... شاگردان نامی ملا صدرا عبارت‌اند از ... لاهیجی (ملا عبدالرزاق) فیض (ملا محسن) شیخ حسین تنکابنی، و ملا محمد ایروانی و ابو ولی شیرازی و قوام الدین احمد پسر صدرا ...

و نیز در صفحه: ۳۱ مینویسد:

۲ - الشیخ حسین بن ابراهیم التنکابنی: از تلامذت صدر المتألهین و فیاض لاهیجی صاحب حاشیه بر حاشیه خفزی، رساله مختصره در اثبات حدوث العالم، رساله در تحقیق وحدت وجود تعلیقات، شفا و شرح گلشن راز. او بسیاری از مسائل مشکله فلسفی را شرح و بیان میکرد اراء استادش را کاملاً فهمیده در بیان آنها قدرتی وافی داشت. پس از بیان رأی صدر المتألهین و فلاسفه اسلامی رأی خود را طرح میکرد. در حقیقت نامبرده صاحب مکتب و در حکمت روش اشراقین را پسندیده و از آنها تبعیت مینمود.

از محل زادگاه و تاریخ ولادتش هیچ گونه اطلاعی در دست نیست اما بطور مسلم نامبرده در عصر مجلسی اول و آقا حسین خونساری مشار الیه بالبنان بود. در کتاب عرفان و عرفان نمایان آمده است:

صدر المتألهین هفت شاگرد فیلسوف تربیت کرده که یکی از آنها شیخ

حسین تنکابنی است.

امین عاملی مینویسد:

از علماء معاصر شاه عباس اول صفوی است میرزا محمد مقیم رئیس کتابخانه سلطنتی شاه عباس بن شاه صفی از علماء معاصر درخواست نمود تا مطالبی جهت یادبود برایش در دفترچه‌ای ثبت نمایند. بالغ بر سی تن از علماء مشهور هر يك صفحه‌ای یا کمتر مطالبی بخط خود ثبت کردند. شیخ علی بن محمد بن حسن بن زین‌الدین عاملی (نوه شهید ثانی) و مؤلف الدر المنثور بیست صفحه نوشت و از جمله علماء بدر الدین حسن عاملی مدرس مشهد رضوی و مولی محمد تقی مجلسی اول و آقا حسین خونساری و مولا عبدالرزاق لاهیجی و ملا صدرا شیرازی و شیخ حسین تنکابنی و ملا عبدالله تونی و غیره در این دفتر مطالبی ثبت نمودند^(۱).
مولی عبدالله افندی مینویسد:

شیخ حسین تنکابنی حکیم صوفی و در حکمت بر روش اشراقین بوده وی عالم و فاضل و در حکمت اشراق ید طولائی داشته و بجز حکمت علمی دیگر وارد نبوده^(۲).

آنچه که از مجموع گفتار بزرگان در حق نامبرده استفاده میگردد این است که: بر خلاف حکماء عقیده‌اش نسبت به حکمت دگرگون بوده، او عارفی الهی و تارک زخارف دنیا و اکثر اوقات خود را بعبادت میگذرانید، و در عین حال از تالیف و تصنیف و تدریس کوتاهی نداشت.

در زمان اقامت ملاخلیل قزوینی در قزوین بقصد تشریف بمکه نزدیکی شهر قزوین توقف نمود و از ورود به قزوین امتناع مینمود، سبب عدم ورود به قزوین را پرسیدند در جواب گفت: ملافاضل قزوینی^(۳) حکماء را تکفیر نموده، ممکن است از

(۱) اعیان الشیعه: ۴۶۳/۵ البته مرحوم عاملی این مطالب را تحت عنوانی خاص بنام الشیخ حسین التنکابنی الحکیم یاد نموده که مولف محترم تصور نموده نامبرده غیر از حسین بن ابراهیم تنکابنی است زیرا شرح حال او را در همان جلد صفحه ۴۱۳ یاد نموده است.

(۲) ریاض العلماء: ۳۴/۲.

(۳) مولی خلیل بن غازی شهیر به فاضل قزوینی در سال ۱۰۰۱ متولد گردید. از علماء مشهور و معروف قرن یازدهم و از مقررین دولت صفویه بوده مدت سی سال متولی آستانه مبارکه حضرت عبدالعظیم بود و به

ورودم بشهر قزوین باعث ایذا و ناراحتی او گردید. لذا فعلاً قصد ورود به شهر را ندارم. از آمدنش به نزدیکی شهر قزوین و بیان او مولی خلیل مطلع گردید. در پاسخ گفت: من کسانی را که گفتار حکماء را میفهمیدند و بدو اعتقاد دارند کافر میدانم، اما شیخ حسین چنان نیست! این مطلب به سمع شیخ حسین رسید، در جواب گفت: این سخن از تکفیرش در باره من بدتر است. و بالاخره شیخ حسین به قزوین رفت، فاضل قزوینی از او دیدن کرد در این دیدار مودت و دوستی میان آن دو برقرار گردید. پس از مدتی اقامت هنگام ترك قزوین از مولی فاضل در خواست کرد بعد از وفاتش دو رکعت نماز بخواند و ثوابش را بروح او هدیه نماید.

مولی فاضل پس از فوت شیخ حسین متأثر شد و طبق وصیت او عمل نمود و برایش طلب مغفرت نمود.

شیخ حسین به مکه مشرف گردید در مکه با علماء اهل تسنن در باره خلافت حضرت امیر المؤمنین و حقانیت شیعه مباحثه نمود و بموجب استدلال بر آنها غالب شد، این احتجاج بر آنها گران تمام شد مترقب آزار و اذیت او بودند، تا آنکه هنگام طواف او را دستگیر کردند و بنزد قاضی بردند و عده‌ای شهادت دادند که او هتك حرمت خانه خدا را نموده و عورت خود را بحجر الاسود مالیده، در حالیکه شیخ حسین عمل مستحبی را انجام میداد و شکم خود را پس از طواف به حجر الاسود میمالید. سرانجام قاضی دستور داد او را تعذیر کنند و از مکه بیرون نمایند. شیخ را سخت کتک زدند و از مکه بیرون کردند. شیخ در اثر آن کتک سخت بیمار شد و قبل از رسیدن بمدینه فوت کرد و در ریزه جوار قبر ابی ذر غفاری علیه الرحمه بخاک سپرده شد.

مکه مشرف گردید در بازگشت از تولیت کناره‌گیری کرد و به قزوین رفت، و در قزوین به تدریس و تالیف مشغول شد عده‌ای از دانشمندان نزدش تلمذ نمودند. از تالیفات او شرح اصول کافی به فارسی و عربی و رسائل متعدده در حرمت صلاة جمعه در زمان غیبت و غیره میباشد در آخر عمر نایبنا شد و در سال ۱۰۸۹ در قزوین وفات کرد.

تمام کسانی که او را ترجمه کرده‌اند و مؤلف اعیان الشیعه سال این حادثه ذکر نکرده‌اند علامه تهرانی در الکواکب المنتشرة (المنتشرة) نامبرده را ترجمه وفوتش را در قرن ۱۲ دانسته که قطعاً اشتباه است. زیرا این واقعه در حیات ملا خلیل قبل از سال ۱۰۸۹ اتفاق افتاده.

دارای تالیفاتی است که عبارتند از:

۱- رساله فی اثبات حدوث العالم ووجوده بعد العدم.

این رساله در سال ۱۰۴۹ با تمام رسیده است^(۱).

۲- رساله فی تحقیق وحده الوجود

در این رساله روش و عقیده استاد خود را پیروی نموده و قسمتی از کلمات او

را توضیح و شرح مینماید^(۲).

۳- حاشیه بر حاشیه الخفزی (الفلسوف).

حاشیه ایست بر شرح تجرید الاعتقاد خواجه نصیر الدین طوسی (در کلام

است)^(۳).

(۱) این رساله در حاشیه کتاب مشاعر صدر المتألهین در ۳۰ صفحه بجا رسیده است.

آغاز. بسمله. الحمد لله المتفرد بوجوب وجود عن کل عین ... هذه رساله فی اثبات حدوث

العالم ...

انجام ... تعالی عن ذلك علواً كبيراً وتمت بالخیر والعافیة.

تاریخ فراغت از تالیف را ناسخ اشتبهاً سال ۱۲۴۹ یاد نموده است. نسخه‌های خطی این کتاب در

کتابخانه‌های ایران متعدد میباشد. الذریعه: ۸۹/۱ فهرست کتابخانه مرکزی: ۵ شماره ۲۱۹۸.

(۲) نسخه خطی این رساله در کتابخانه مجلس شورای ملی (تهران) میباشد. به کتابهای ذیل مراجعه گردد:

فهرست کتابخانه مجلس: ۱۱۶/۴ فهرست اهدائی کتابها مشکوه: ۳ ب ۵۱۸/۱ کتابخانه مرکزی: ۹

شماره ۲۱۹۸ ۱۷ (۱۳۳ - ۱۳۴) (ف ۵۱۷) ۳ / شماره ۳۹۰۱ (۵۳ - ۵۷) (ف ۵۱۷) - طوس: ۱۵۲/۴

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی: ۹۸/۵ الذریعه ۵۵/۲۵

آغاز. الحمد لله الذي هو نور السموات والعقول والنفوس وصور الارض والاجرام واعراضها

المحسوس ...

انجام ... ولم يكن من الموحدين بالحقیقة. والله اعلم بحقائق الامور.

(۳) نسخه‌ای از این کتاب بخط محمد اشرف بن محمد صدر الدین به تاریخ ششم رجب ۱۰۸۹ بشماره

- ۴ - حاشیه بر شفای بوعلی سینا^(۱).
- ۵ - رساله فی شبه الاستلزام وجوابها^(۲).
- ۶ - رساله در اصناف مردم در معاد^(۳).
- ۷ - حاشیه بر شرح تجرید ملا علی قوشچی^(۴).
- ۸ - حاشیه بر اثبات واجب الوجود مولی جلال الدین دوانی^(۵).
- ۹ - شرح گلشن راز^(۶).
- دارای فرزندی فاضل ودانشمند بنام شیخ ابراهیم بوده که در محلش در این کتاب در صفحه ۲۴ یاد گردید^(۷).

۲/۲۷۲۹ در کتابخانه عمومی اصفهان میباشد. فلاسفه الشیعه: ۲۵۵.

(۱) فلاسفه الشیعه: ۲۵۵.

(۲) فهرست کتابخانه مرکزی: ۹ شماره ۲۱۹۸ (۱۲۷ پ ۱۲۸ ب).

(۳) این رساله در مجموعه نه رساله بشماره ۵ تاریخ کتابت ۱۳۳۰ بقلم حاج سید نصرالله تقوی بشماره دفتر ۶۴۴۸۹ در کتابخانه مجلس میباشد (فهرست کتابخانه مجلس: ۱۱/۱۷۳ و ۹/۳۰۸).
آغاز: بسمله. الحمد لله المتوحد فی ذاته المنفرد دیمو میته ...

انجام ... فیکون صنوف الانسان مع حالاتهم علی سته والله تعالی اعلم بحقایق الامور.

(۴) این حاشیه غیر از حاشیه ایست که بر حاشیه الخفزی نوشته است. الذریعه: ۶/۶۵.

(۵) عین نسخه و رساله اثبات حدوث العالم در کتابخانه آیت الله العظمی نجفی مرعشی بشماره ۴۱۲۳ میباشد. نسخه مذکور در زمان مولف استنساخ گردیده و حواشی من مدظله دارد و در تاریخ ۱۱۰۷ بتملیک محمد علی بن محمد کریم در آمده است.

آغاز: بسمله - الحمد لله المتأثر للديمومية والبقاء المنفرد بكمال ذاته في المحمده ... وبعد
فیقول اقل الخلیقه بل لا شی بالحقیقه شیخ حسین بن ابراهیم التنکابنی عفی عنهما هذه تعلیقه
اتفقت منی علی اثبات الواجب الوجود وصفاته للمحقق الكامل نحریر الافاضل جلال الدین
محمد الدوانی ...

انجام ... واعتراف المصنف المحقق به ینافی فی ما سبق من وجوب الالتزام بظواهر
النصوص وعدم القول بارجاع صفة السمع والبصر وكذا الكلام علی العلم والقدرة. تمت.

فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله العظمی نجفی مرعشی: ۱۱/۱۳۹.

(۶) تاریخ حکماء عرفاء متأخرین صدر المتألهین: ۳۲ بنقل از ولی قلی بیگ: ص ۷۷۱.

(۷) ریاض العلماء: ۲/۳۴ اعیان الشیعه: ۵/۴۶۳ و ۴۱۳ فلاسفه الشیعه: ۲۵۵ الذریعه: اجزاء ۱/۸۹

(۹۴)

شیخ حسین تنکابنی
(ق ۱۰ - ق ۱۱؟)

شیخ حسین بن ابراهیم بن حمزه بن خلیل تنکابنی از بزرگان و علماء جامع معقول و منقول بوده و در اواخر قرن دهم و احتمالاً اوائل قرن یازدهم را درک نموده باشد.

نامبرده در فنون فلسفه و اقف و از فقه و کلام حظی وافر داشته تاریخ ولادت و وفات و محل اقامتش بر نگارنده مجهول ماند و آنچه مسلم گردید وفاتش بعد از ماه رمضان ۱۰۰۰ هجری است.

وی غیر از حسین بن ابراهیم سابق الذکر است. چه آنکه او متأخرتر از مترجم ما است. دارای تالیفاتی است از جمله آنها:

۱ - کتاب اللئالی فی شرح بدو الامالی^(۱).

۲ - غایه الامانی فی شرح تصریف اسفندی جانی^(۲).

۳ - شرح القصیده العینیة شیخ رئیس ابوعلی سینا در بیان احوال و نفس ناطقه انسانی است. شرحی است مزجی که بنام سلطان مراد بن سلیم خان عثمانی تالیف نموده^(۳).

۶۵/۶ و غیره مؤلفین کتب چاپی: ۶۸۸/۲ معجم المؤلفین: ۳۰۶/۲ شهداء الفضیله: ۲۰۲ طبقات اعلام الشیعه ق ۱۱ مخطوط: دانشمندان گیلان مخطوط.

(۱) آغاز کتاب چنین آمده است:

ان ارفع مقام و ارفع مقال ... کشف الظنون: ۱۳۵۰

کتاب مذکور در علم کلام است.

(۲) در ماه رمضان ۱۰۰۰ از تالیف آن فارغ گردیده است.

(۳) آغاز کتاب:

الحمد لله فیاض زوارف العوارف ...

از تألیف کتاب مزبور چنین استنباط می‌گردد که نامبرده بظن قوی در دولت عثمانی ساکن بوده^(۱).

(۹۵)

شیخ حسین اشکوری

(حدود ۱۲۲۵ - حدود ۱۲۸۰)

حسین بن اسماعیل اشکوری در اشکور متولد گردید مقدمات را در زادگاه خود فراگرفت سپس به قزوین عزیمت نمود ومدارج عالیه را در قزوین واصفهان تحصیل نمود به موطن بازگشت ودر قریه چورکلابیه اقامت نمود در دهه هشتم قرن سیزدهم وفات نمود.

(۹۶)

حسین تنکابنی

(ق ۱۲)

حسین تنکابنی از دانشمندان وحکماء بوده ونوه اش محسن بن عبدالکریم

(۱) معجم المؤلفین: ۳/۲۰۷ فهرست الخدیو: ۴/۱۱ کشف الظنون: ۱۳۴۲ و ۱۳۵۰
ابضاح المکتون: ۲/۱۰۰ وهدیه العارفین: ۱/۳۲۰، لغت نامه دهخدا ح/۶۳۵ تمامی این مأخذ که ذکر گردید از کشف الظنون نقل گردیده. حاجی خلیفه مؤلف کتاب مزبور فقط نام مترجم ونام پدرش ونام جدش را ذکر نموده وهیچ انتسابی برای او ننوشته است نگارنده نسخه ای از غایه الامانی در سال ۱۳۸۷ در نجف اشرف ملاحظه نمودم که در جلد آن نام مؤلف را حسین بن ابراهیم بن حمزه بن خلیل تنکابنی ذکر کرده بود واستنساخ مربوط به قرن یازدهم بوده.

بن حسین در ضمن مجموعه‌ای یکی از مولفات نامبرده را بنام رساله فی العقل استنساخ و در آخر آن بنام مولف تصریح نموده است تاریخ استنساخ ۱۲۳۸ و نسخه در ضمن مجموعه‌ای در کتابخانه شخصی آقای شیخ علی فاضل قائمی نجفی در قم میباشد.

(۹۷)

ملاحسین تنکابنی

(ق ۱۲ - ق ۱۳)

ملاحسین تنکابنی معروف به (حسینا) از فضلاء و دانشمندان اواخر قرن دوازدهم و اوائل قرن سیزدهم بوده نگارنده بعضی از اسنادی را که او توشیح نموده ملاحظه نمودم.

نامبرده در ناحیه کلارآباد تنکابن سکونت داشته^(۱)

(۹۸)

سید حسین اشکوری

(۱۳۴۹ - ۰۰۰)

سید حسین بن عباس بن عبدالله بن حسین بن محمد جعفر بن شمس الدین حسینی اشکوری، در اشکور متولد گردید مقدمات را در همان سامان فراگرفت در سن چهارده سالگی به قزوین رفت سطوح فقه و اصول را نزد سید علی

(۱) فتوکبی سند نزد آقای ابرالحسن واعظی نویسنده تاریخ تنکابن میباشد.

قزوینی و دیگران تلمذ نمود و نگاه به نجف اشرف مهاجرت نمود، و به حلقه درس بزرگان عصر چون میرزا حبیب الله رشتی و آخوند خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و دیگران حضور یافت و مدارج عالی را طی نمود، پس از فوت سید محمد کاظم طباطبائی یزدی در تدریس مستقل گردیده و خود حوزه‌ای تشکیل داد.

از سال ۱۳۳۲ به بعد (بعد از فوت برادرش سید اسدالله) در حرم مطهر علوی امامت جماعت داشت و عده‌ای از اخیار بدو اقتداء میکردند.

در سال ۱۳۴۹ مریض شد برای معالجه به کاظمین رفت و مدتی کوتاه در کاظمین سکونت نمود سرانجام در روز سه شنبه ۱۳ شوال بعد از نماز ظهر در حال خواب سگته کرد و رخت از این عالم بریست جنازه‌اش با تجلیل فراوان از کاظمین به کربلا تشیع و پس از تشیع در کربلا و زیارت حرم سید الشهداء و حضرت ابی الفضل علیهما السلام به نجف اشرف حمل گردید و با احترام فوق العاده و تشییع منصل و تجلیل در حجره آخر طرف جنوب شرقی مجاور قبر مرحوم میرزا محمد علی رشتی بخاک سپرده شد.

دارای تالیفاتی است که عبارتند از:

۱- حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری

۲- قضاء

۳- مباحث الفاظ

۴- حاشیه بر رسائل شیخ انصاری

۵- حاشیه بر کنایه الاصول^(۱)

فرزند ارشدش مرحوم سید جواد اشکوری از فضلا و معاریف نجف اشرف و داماد مرحوم سید ابوالحسن اصنهنانی بود، اوائل ماه مبارک رمضان ۱۳۷۸ بعد از افطار در اثر سگته قلبی بدرود حیات گفت و در جوار قبر پدرش بخاک سپرده

(۱) احسن الودیعه: ۲/۲۷۸ مشید الامام: ۲/۱۲۸ معجم رجال الفكر والادب: ۳۳ المصلح المجامد

الشیخ محمد کاظم الخراسانی: ۳۶ دائرة المعارف تشیع: ۲/۲۰۳.